

درس ۱! صلاۃ صوم ۱۲۰ فقہ اسلامی ۲

۱! نمازهای یومئیم (جمعہ جمع جزو نماز یومئیم حساب می شود) سے ضرورت دینی و احادیثی زیادہ پر وجوب آنگن آئندہ است. نمازهای واجب

۲ نماز طواف واجب

۳ نماز بزمیت

۴ نماز آیات

۵ نمازی که باید در قسم واجب می شود (مثل نمازی که انسان بپراگن احدی شده) سے بنا بر قاعده کہ وفایہ نذر واجب است.

۶ قضای نمازیدر کہ بر سیر نذر است واجب است

مسندات

۱! دلایلی کہ نمازهای ۱ تا ۶ مذکور را واجب کرده اند ۳ آیت

۱! ضرورت دین در روایات فراوان سے مثل نمازهای یومئیم

۲! اعتقادی قاعده سے مثل نمازی کہ بواسطہ نذر یا سبب نذر واجب شده است

۳! روایات خاص سے مثل سایر نمازهای واجب سے نماز طواف واجب

نماز بزمیت

نماز آیات

نماز قضای پندر

برخی از احکام نمازهای یومئیم

- ۱! تعداد رکعات نمازهای یومئیم
 - صبح ۲ رکعت
 - ظهر ۴ رکعت
 - عصر ۴ رکعت
 - مغرب ۳ رکعت
 - عشاء ۵ رکعت
- ۳ رکعت ۱۷ رکعت

۲! قصر نمازهای ۴ رکعتی در سفر

۳! قصر نمازهای ۴ رکعتی در زمان خوف

۱- مندررت رین
بمازهای یومیه و تعداد رکعات
۲- روایات خاصه

متسند و دلیل احکام مذکور (۳ گانه)

۱- مقدار رکعات رین ۱- مندررت رین ۱- مقدار رکعات نمازهای یومیه ، مورد توافق فروع و مذاهب اسلامی است
۲- روایات خاصه

۱- اصل حکم از مندررت رین مذکور است (احادیث)

۲- روایات خاصه (احادیث)

۱- نماز تراویح در غیر یاسد ، عقیده می شود
۲- معلوم عقیده می شود
۳- قول در آن بجز این بیان شده

۳- به جماعت بخوانید ، به کوناه شدن نماز خوف در وقت به شرفی که به جماعت از اسود

۱- قول مناسب از بین ۳ قول بالا
۲- قول می باشد
۳- که چه در سفر چه در حضر به جماعت

۱- قول خداوند که در قرآن فرموده و اذا

صنعت فی الارض (عمل ضرب در این آیه بر حضور من آن جزو جی که به مدینه ارمیه است و همین ندارد تعین قدر نماز خوف در این آیه به الاضرب و رسی عمل بر غالب افراد خوف می شود که خوف محورا در سفر در حین هوا هم بادشمن رخ می دهد

۲- روایت شیخ صدوق از زراره از امام صادق (ع) دلاله دارد

زراره می گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا نماز خوف و نماز سفر هر دو کوتاه می شوند ؟ احاک (ع) فرمودند : بله نماز خوف نعم مثل نماز در سفر به قدر خوانده می شود و حتی نماز خوف از نماز در سفر سبب تر است که به قصر است

چون در هنگام ایستای نماز خوف ، ترس از زمین است

سرایط نماز

- ۱ وقت
- ۲ قدر
- ۳ طهارت

اوقات تازه‌های یومیه

۱ ظهر و عصر ← از زوال خورشید تا غروب آفتاب

اوقات تازه‌های یومیه

۲ صبح و عشاء ← برای شخص مختار ← از غروب خورشید تا نیمه شب

← برای شخص مضطر ← از غروب خورشید تا طلوع فجر

۳ صبح ← از طلوع فجر صلیح تا طلوع آفتاب

مستندات

شروع وقت نماز ظهر و عصر

۱- نظر اول ← وقت زوال خورشید ← دلیل اول ← عبور آفتاب از وسط

۲- دلیل دوم ← عقل خداوند که می‌فرماید: نماز را هنگامی که در لوک

خورشید به یاد آید، بر تفرعات لالت دارد پس در لوک به نماز زوال

دلیل سوم ← روایت (سنن ابی یوسف) نقل از محمد بن زبیر از ابا بکر

(ع) که هنگامی که خورشید زوال یافت وقت آنرا از ظهر و عصر

داخل می‌شود و هنگامی که خورشید غایب شد وقت آنرا از عصر و

عشاء می‌رسد.

۲- نظر دوم ← مدتی بعد از زوال خورشید به دلیل حضور آفتاب در وسط ذراع برسد.

۳- بر همین دلیل که گویند باید باشد به تأیید قدم بر سر و با حضور این مقدار

روایت از محمد بن یحیی بن یونس که زبیر گفت از ابا بکر (ع) که در باره وقت نماز ظهر پرسیدم، اما که فرمودند که

ذراع از زوال خورشید تا غروب آفتاب است. وقت نماز عصر همان است که ذراع از حین نماز ظهر تا زوال است. دلیل ←

حل بقارن سے قابل جمع عرفی سے جمع بین دو دستہ روایت سے دلیل حکم میں ان گذر بہ خاطر نافذ است زیرا میں تو اس از حسنا از اول تا یک ذراع نافذم جو انی وقت سے یہ یک ذراع رسید نافذم اگر کن و نماز ظہر بخوان و حسنامی کہ سایہ بہ انداز رسید نماز عصر را بخوان۔ چون مسافر و کسان کہ قصد خواندن نافذم نماز را از زوال می توانند واجب حضور را بخوانند۔

عبر قابل جمع عرفی سے احادیث دستہ دوم سے از صحیحہ بعد اعرج از ان کہا در وقت نماز ظہر رسیدیم کہ آیا وقت آن حسنامی است کہ خورد زوال یا بہ؟ فرمود احسان است کہ یک قدم یا سایہ آن از زوال گذشتہ باشد مگر آنکہ در سفر یا سہ یا روز جمعہ باشد کہ وقت ادای خبر یعنی، حسنا از زوال خورد است۔

۱۰
 لے نظر اول بدین وقت و تہ دوم (سند) بعد زوال ردھی سوکا
 لے عواقب با آنچه بین اصحاب عن زوال ثابت شدہ

وقت ادای نماز ظہر و عصر سے قول مشہور علماء سے طبع روایت بخرو ب وقت دارد سے روایت سے صحیحہ صحیحہ بخرو ب بخیر سے سیم از اتمام بادتی سے وقت نماز عصر تا حسنا خورد خورد است۔

۱۵
قول مخالف مشہور؛ امداد وقت تا خورد و مضمون صاحب عذر است۔ طبع روایت سے صحیحہ عبداللہ بن سنان از امام کا بیان ہے کہ ہر نماز ہی آوقت است و اجزای وقت افضل است۔ نماز آوقت دارد و نماز آوقت افضل است۔ جواب مصنف سے این استدلال افعال دارد عبارت (اول الوقت الفقیہ) سے ہے جو از تاخیر است چون اگر تاخیر جائز یعنی برد تعبیر بہ افضل وقت جسے نہ است۔

وقت احصا سے نماز ظہر و عصر سے قول مشہور سے وجود وقت احصا سے۔ دلیل سے روایت مشہور ہو کہ وقت احصا سے حسرت لے روایت از داود بن فرقد بک روایت سے مرسل از امام صادق (ع)۔

۲۵
 لے قول صحیح صدوق و سیرین سے عدم وجود وقت احصا سے۔ دلیل سے روایات زیادہی میں کوید نماز زوال خورد رسید، وقت ہر نماز داخل شود۔

نہی سے چون شد قول اول مرسل (ضعیف) است قول دوم را ہی نہیں ہم

۱۔ ابتدائی وقت ادائیگی کے عذوب آفتاب محل اختلاف
 مفسرین (مورد اتفاق علماء) در تحقق عذوب
 علائک مشہور علماء از میں رفیق
 روایت برید بن جابر از ابن عمرہ مشرقیہ غیر مذکورہ
 اما ما در ہے (حکامی کہ حضرت عیسیٰ بن ماریہ نے اپنے شاگردوں کو بتایا کہ عذوب آفتاب
 علائک مشہور ہے۔ استناد قرآن مجید

۲۔ یزید بن سنان سے قول مشہور ہے دلیل اول: نصیر
 روایت صحیح بخاری بن سنان از امام احمد بن حنبلہ (بخاری)
 سند صحیح از امام ابن کثیر کہ فرمود کہ وقت نماز مغرب حسان است کہ غروب
 لے جو ہم بائیں فرمودہ ابن کثیر
 غروب کند و قرون جو روایت مذکورہ
 از موارد اطلاق و تفسیر است کہ روایات استنادہ لائق و روایات
 عمرہ مشرقیہ محقق عذوب را یہ استنادہ روایہ اصناف از میں رفیق عمرہ مشرقیہ را بتواتر از روایات دوم
 یعنی روایات صحیحہ را میں بدین معنی
 ۳۔ دلیل دوم: مخالفت با جامعہ اعلیٰ مستند

۴۔ ابتدائی وقت ادائیگی کے عذوب آفتاب سے مشہور علماء نے یزید بن سنان سے دلیل
 صحیحہ زوارہ از امام ابن کثیر نے نقل کردہ نیز یہ ثابت است
 علائک مشہور ہے از میں رفیق شرح مغرب ہے دلیل
 روایت سے صحیحہ اسماعیل بن جابر از امام
 صاحب بخاری (دو بارہ نماز مغرب پر سوم امام احمد بن حنبلہ
 میں عذوب جو زوارہ تا حکام از میں رفیق سنن ابی داؤد
 صحیحہ مغرب کتا زوارہ شریف

۵۔ یزید بن سنان سے قول مشہور از تفسیر مصنف ہے
 قول دوم کتا زوارہ سے ہی شہود زوارہ اطلاق آئیم قرآن (السنن عن ابی داؤد) فی لغز (ابن کثیر)
 ابتدائی وقت ادائیگی کے عذوب آفتاب سے قول مصروف: بلا فاصلہ بعد از نماز مغرب
 دلیل اول: اطلاق آئیم عنین
 دلیل دوم: از میں رفیق سنن
 یزید بن سنان سے قول
 مصروف از تفسیر مصنف
 دلیل دوم: از میں رفیق سنن

Aman

1 استیصال نماز عشاء سے قول مسطور سے تاخیر بہت

2 { دلیل اول : اطلاق آیت غسوة
3 { دلیل دوم : روایت صحیحہ ابن عباس
4 { قول دوم : یک سوم بہت

5 وقت اجتماعاً صبح نماز و عشاء سے قول مسطور وجود وقت اجتماعاً ہے دلیل مرسلہ دارد سے اشغال ابن

6 روایت صحیف اللذیہ جواب سے صحیفہ مذکورہ اللذیہ تا صبح مسطور تقدیر میں سورہ

7 اگر قاعدہ اخبار رسد از عینان کبریٰ کسی بندہ پریم

9 قاعدہ کبریٰ اخبار سے صحیفوں سے ابن روایت صحیف اللذیہ است

10 { کبریٰ سے صحیف اللذیہ تا صبح تا مسطور جبران میں سورہ

11 { تفسیر سے ابن روایت صحیف است

13 اصدا وقت نماز عشاء سے برسی مفسر سے تا طلوع فجر سے دلیل روایت

15 ابتدائی نماز صبح سے طلوع فجر سے دلیل اول سے عدم مخالفت علماء اہل حق و سواد

مراد از قرآن فجر نماز جمع است

17 { دلیل دوم آیت قرآن الی غسوة الی والمقرآن اللخیر

ما تجمعا وخصی بہ بر است

دلیل ابن نماز فجر وجود

دارد ابن است کہ امتزاجی

وقت ابن کی طلوع فجر است

22 ابتدائی نماز صبح سے قول مسطور : طلوع آفتاب

24 { قول دوم سے غیر مفسر : طلوع سورۃ

تقریب سے مفسر قول مسطور اسی بندہ

دلیل سے روایت

26 { مفسر : طلوع خورشید

ص ۱۲۷ قسمت ۹

قول معروف در ابتدای وقت نماز عشاء ← بعد از نماز مغرب است و گفته شده به جناب از بن فریق شیخ است

(بر فرض صحت مغرب) از بن فریق

۲ قول اول مناسب است به دلیل: ۱. آیه غشوق (اسراء ۷۸) مطلق است و لا حدیث از

نیز اول زمان نماز است یعنی در جایه: ۲. یاد میبرد من بعد از هر دم نماز جای مغرب

و عشاء را خواند، قبل از غشوق (سجده) شیخ... در حالی که عذری در مردم نبود

پس این کار را در وقت نماز بر امتش حرام فرمود

۱. استماعی وقت عشاء ← به مشهور علمای وقت ادای نماز عشاء تا نصف است اعداد دارد

۲ برخلاف تقریری که به شیخ نصیر و شیخ طوسی نسبت داده شده که اعداد وقت

نماز عشاء تا ثلث است

قول اول مناسب است و مورد قبول فاسی به دلیل: ۱. اطلاع آیه غشوق و

حدیث از صحیح ابن بقیه از احاک با فریغ، ۲. یاد میبرد من فرمودند اگر نمی توانم که بر اتمم دستور

با سجدها نماز عشاء را تا ثلث است به تا خیر من استماع

(و من چون بر اتمم صحت است من هم در همان احوال وقت

فصلت نماز را به جای آوردم از و بدان که شیخ من در ادای

نماز به دلیل غشوق وقت فصلت و یا غشوق وقت ادای

نماز نیست بلکه) من توانم نماز عشاء را تا ثلث است به تا خیر

از آیه که همان (غشوق لیل) می باشد که جز او نیز در قرآن فرموده (سجده)

۱. وقت احتیاطی نماز عشاء ← نماز مغرب به اول وقت

۲. نماز عشاء به آخر وقت احتیاطی دارد

۳. احتیاطی وقت بود... اگرچه در دست نوشته و روایت داود بن فریق به دلیل... روایت داود بن فریق که در بحث نماز ظهر و عصر به آن

رسیده بود و صفندی راست اگر با کبری اینبار را اشاره شد به دلیل صحت سند از بعضی (همچنانکه معدوم است)

بند بیستم به طریقی که کتب معتدل معتقد در حدیث ضعف سند را بداند این توان استناد نمود که این را شیخ و جواب می دهند

می کنند این را اکثر عنوان یکدیگر را قبول دانسته اند و شیخ می گویند وقت احتیاطی است

۹. ابتدای وقت نماز صبح و عصر در ایام رمضان است تا هنگام طلوع فجر (تا اذان صبح) وقت دارد. دلیل این حکم در روایت صحیحی از ابو بصیر است از امام صادق (ع) نقل می کند:

اگر کسی خواب را بیدار کند در حالی که نمازهای صبح و عصر را بخواند یا بنده نماز صبح کرده باشد و پس از اذان صبح بیدار شود چنانچه برای ادای هر دو نماز فرصت دارد باید هر دو را بخواند و اگر می پرسند که بیکه از نمازها عزت شود یا بد ابتدای نماز عصر را بخواند و غیر این معنی هم اوله دیگری بر وقت نماز داریم.

۱۰. ابتدای وقت نماز صبح است

دو دلیل بر این مدعا است. ۱. عدم مخالفت علما با این فتوا

کالا آیه قرآن که می فرماید: نمازهای صبح، عصر، و غروب بر این فتوا دلالت دارد.

عشاء) را از زوال خورشید تا غروب سبب به جای دارد و قرآن الفجر را نیز به جای دارد.

این آیه دال بر قدرتی است (چون ادلا افراد از قرآن الفجر نماز صبح است و تا بنیاد آنها و همین که برای استسباب این نماز به فجر وجود دارد این است که ابتدای وقت این نماز طلوع فجر باشد.

۱۱. ابتدای وقت نماز صبح ۲. قول داریم است: مسکون است طلوع خورشید

۲. قول صحیح است: مسکون است طلوع خورشید. مسکون است برای سخن نماز (طلوع خورشید) مسکون است (طلوع خورشید) مسکون است برای سخن نماز (طلوع خورشید)

مصنف: قول مسکون برای بنی برود. دلیل بنی برین قول صحیح است. روایت صحیح از زراره نقل شده که امام باقر (ع) فرمودند: هنگام ادای نماز صبح از طلوع فجر است تا طلوع خورشید.

علامت حلول وقت های صلوات نماز و بعضی از احکام آن ص ۱۲۹

۱ در مورد طلوع فجر که زمان وجوب نماز صبح است باید تا احوال زینت و حدیث است:

(الف) مراد از طلوع فجر، طلوع فجر صادق است

(ب) باید تبیین صورت گیرد، یعنی باید فجر، قاهر شود و تحقق گردد

(ج) تبیین تقدیری کفایت می کند، یعنی لازم نیست که عملاً ظهور فجر بالفعل باشد بلکه اگر بدانیم زمان طلوع فجر رسیده، اعمالی ظهر جمعاً است و یا ابر، ابتدای فجر دیده می شود، این تبیین کفایت می کند.

۲ زوال خود رسیده (که زمان وجوب نماز عصر است) علامت این است که سایه اشیا (که نبوده) ایجاد شود و یا (اگر بوده) رویه افتراسی بگذرد.

۳ در مورد سبب شرعی (که انتهای وقت نماز صبح و عصر است) دو قول است:

(الف) نیمه زمان بین مغروب آفتاب تا طلوع فجر

(ب) نیمه زمان بین غروب آفتاب تا طلوع خورشید

۴ سبب زوال کبری علامت، لازم است که تحقق این علامت برای حصول فجر شود. یعنی باید براساس سبب خود رسیده فجر صادق طلوع کرده و یا سایه سافلین روی زمین زیاد شده است.

نکته این است که این احکامات با احوال زینت حاصل می شود.

(الف) علمه عقلی (ب) اهمیتان عقلی (ج) قول بین (د) خبر کردن فرزیده (ه) اذان مؤذن بعد از اقامه بر او

نصیب

۱ سبب های وقت نماز ← ۱ سبب فجر صادق ← صورت تقدیری فجر (در دو سبب خاص آن) است.

۲ سبب زوال خود رسیده ← زیاد شدن سایه (سافلین) و یا ایجاد سایه است.

۳ سبب شرعی ← نیمه ای از زمان بین غروب خورشید تا طلوع فجر است و گفته شده تا طلوع خورشید

1 لازم تبیین تعالیٰ ہے۔ در صورت وجود ایبر و موایغ دسیر، لازم ہے آید وقت خبر مدت طو لانی بہا تبیین بعد

2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
25
26
27

علامت زوال ہے۔ در صورتی کہ خورد سید موایغی و وحیم سمت با سہ حصہ ثبات ہے زیادہ شدن سہ

در صورتی کہ خورد سید موایغی و وحیم سمت با سہ حصہ ثبات ہے زیادہ شدن سہ
در صورتی کہ خورد سید موایغی و وحیم سمت با سہ حصہ ثبات ہے زیادہ شدن سہ
در صورتی کہ خورد سید موایغی و وحیم سمت با سہ حصہ ثبات ہے زیادہ شدن سہ

منظور از زوال خورد سید: خورد سید بالاترین مجلس در آسمان حرکت کرده و در حال حرکت سمت مغرب است

مواد زنجیر است. زمان بنی اذان مغرب تا اذان صبح. دلیل اول ہے و جبران عمری در نزد عرف بہر زمان
ما بین مغرب و تا اذان صبح، لیل غمی گویند

دلیل دوم ہے صحیح منارم از احکام عبادت صحیح است
سہ کہ از حضرت سوال شد کی نماز سب بخوانم
حضرت فرمود: آن سب بخوان

دلیل عدم اجراء اول، تبیین اجراء اول وقت
اجراء اول وقت لازم است۔ در صورت عدم اجراء اول وقت، نماز باطل است۔ دلیل اول: استقلال
یقینی فراغت یعنی بی طلبد

اگر بعد از نماز صبح شود نماز، خوانندہ در وقت بودہ در صورتی کہ نماز را بہ
عقد قربت خوانندہ نماز صحیح است۔

۱۔ اجماعی احراز \leftarrow علم \leftarrow دلیل \leftarrow چون علم عقلاً حجیت دارد و حجیت هر دلیل به علم منتهی می شود

دشوار وقت

۲۔ اطمینان \leftarrow دلیل \leftarrow چون سیره عقلاً در امور خود سنان به اطمینان عمل می کنند و ساری هم از این سیره عقل منفع نکرده است.

۳۔ بین \leftarrow دلیل اول \leftarrow روایت صحیح حسام بن حکم بین در باب عقاوت حج است و

روایت دیگر حج بین را در این عقاوت است که امر همین است حجت قرار داده است
عن یوان استفا ده لکر که بین در احراز دشوار وقت نماز به همین حج
عقاوت نیست به طریق اولی حجت است (روایاتی که بین را در عقاوت
حجت می دانند به طریق اولی شامل آیات وقت هم می شود)

صعد بن صدقة از

۴۔ دلیل دوم \leftarrow روایاتی که حجیت بین را به طور کلی ثابت می کند که اقامه صدق و

فرمود هر چیزی برای تو حلال است مگر آنکه یقین داشته باشی حرام است که
در این صورت با بدان را ترک کنی و عهد استوار بر این حدیث هسته نماز باشد که برای
تو بخیر آن روشن شود و یا بین این بر عذر آن اقامه شود در این روایت
حضرت بین را به طور مطلق حجیت قرار داده است به این معنا که بین بر عرامدی
اقامه شد آن را ثابت می کند و این اطلاق شامل احراز وقت نماز بین هم می شود

۵۔ خبر ثقه \leftarrow دلیل \leftarrow سیره عقلاً خبر ثقه را حجیت می دانند و عقل از این سیره نکرده

۶۔ دلیل اول \leftarrow از تعداد بن خبر ثقه به حساب می آید

۷۔ اذان ثقه \leftarrow دلیل دوم \leftarrow روایت صحیح ذریع معاری بین حضرت
فرمود حدیث بالاذان اهل سنت هم می شود نماز خوانند زیرا
آن اهل موافقت بروقت نماز هستند

Subject:

Year:

Month:

Day:

قبله الاستقبال

واجب است رویه قبله بودن در همه نمازهای واجب و قبله بمکانی گفته می شود که بعد مسافر در آن قرار دارد.

مستندات

۱- دلیل اول: از عنبریات دین

وجوب رویه قبله بودن

در نماز واجب

۲- هم از روایات فرزندان از جمله زراره از امام باقر (ع)؛ انما روی سبت عمره لکوی قبله و حدیث لاتعلا نماز اعاده می شود مگر در سه مورد: مهارت، وقت، قبله، رکوع، سجود

عدم وجوب رویه قبله

بودن در نماز مستحبی

۳- گذشته اول روایت: رعایت قبله در نماز نافله شرط است دلیل: اطلاق روایت زراره و حدیث لاتعلا

۴- گذشته دوم روایت: رعایت قبله در نماز نافله شرط است دلیل: روایت یعقوب بن سعید؛ سوال کردم

از امام صادق (ع) عرض کردم: نماز گزار عازمی تواند در حالتی که راه می رود؟ فرمود: بلی، اما راه نمی کند اگر راه کردی و اشاره اس را برای سجود بسرا از رکوع قرار بدهد.

نمی باشد دلیل: همانا لازمه عرفی جواز راه رفتن در حال نماز این است که شرط بودن قبله سابقا باشد و جایزه ای نیست از اینکه محیده یعقوب را بر نافله حمل کنیم، زیرا احتمال نمی رود که از این روایت، نماز واجب اراده شده باشد.

۵- دلیل اول: در صورت اتمام بنای کعبه، عید هم از این می رود و با بنای همی بر خانه کعبه عید بر زمین می خورد.

۶- دلیل اول: بنای کعبه دلیل: بر این قول

۷- دلیل: نماز افزایی که در سفرهای بالاتر از این است از جمله واقع شده اند باطل است.

۸- دلیل دوم: جهت رعایت کعبه دلیل: بر این قول

۹- دلیل: همانا لازمه عرفی جواز راه رفتن در حال نماز این است که شرط بودن قبله سابقا باشد و جایزه ای نیست از اینکه محیده یعقوب را بر نافله حمل کنیم، زیرا احتمال نمی رود که از این روایت، نماز واجب اراده شده باشد.

۱۰- دلیل: همانا لازمه عرفی جواز راه رفتن در حال نماز این است که شرط بودن قبله سابقا باشد و جایزه ای نیست از اینکه محیده یعقوب را بر نافله حمل کنیم، زیرا احتمال نمی رود که از این روایت، نماز واجب اراده شده باشد.

(طہارت) ۱ حدیث
 طہارت در نماز ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰

۵ حکم نماز بدون طہارت ۱ حدیث ۲ باطل در نماز صورت دعا

۷ ۱ جنبہ ۲ نجاست راجح دانستہ دلس فراموش کردہ ۳ نماز باطل و باید اعادہ کند
 ۹ نجاست راجح دانستہ ۴ نماز صحیح است ۵

۱۱ مستحبات

۱۲ ۱ طہی و است از حدیث ۲ از حضور در بابت دین

۱۳ ۱ ۲ یمن قرآن ۳ آیم اذ اقمتم اللہ الصلاۃ فاعسلوا

۱۴ ۳ روایت صحیحہ زرارہ از احکام باقر علیہ السلام نماز جنب با طہارت سنت و حدیث لا تقاد

۱۶ ۲ طہارت از جنبہ ۳ در لباس ۴ روایت خرافان ۵ صحیحہ زرارہ کہ ایساں گفتیم: حیون بینی یا حیون عین بینی یا حیون

۱۷ بہ لباس اہلبیت کرد پس عن جامی آن علامت گذاشتیم تا معصوم
 ۱۸ گفت پس بہ آب دست یافتیم و لیس فراموش کردیم و بالباس بخش نماز قبول کردیم
 ۱۹ بعد از آن یادیم آمد اھا گفت نمازت را اعادہ کن و نجاست را می شود
 ۲۰ صحیحہ بود صحیحہ سنزیری نیز از حیون از بزرگان اعیان است

۲۲ در بدن ۳ دلیل ۴ بہ طریق اولی نجاست می شود در وقتی لباس با بدنی پاک یا مسدود بہ طریق اولی باید پاک
 ۲۳ باسد

۲۴ لزوم اعادہ نماز از حدیث ۱ (طلاق آیم راز اقمتم اللہ الصلاۃ فاعسلوا و اطلاق روایت صحیحہ زرارہ
 ۲۵ بہ طور مطلق (محمد صلی اللہ علیہ وآلہ
 ۲۶ یا نسیا نا)

۲۶ ۲ حدیث لا تقاد

۱. طهارت از جنبه روانی در حالت اول: اطلاق مستثنی مندرج در حدیث لایق است. اعاده واجب است

برای جاهل و ناسی

۲. حالت ۲: صحیح زراره نامی اعاده کند ~~بنا بر این~~ روایت مستند

۳. جاهل اعاده کند ~~بنا بر این~~ روایت به حدیث عن ابن عمر: اگر من گمان کنم

۴. راستم به بر خود زاری است، ولی یقین بدانکه مردم پسندیدند و اگر مردم را

۵. در آن دیدم و بعد از آن خواندم پس نجاست بر او ریسم دیدم، حدیث فرموده:

۶. لباسی را میسویی و پس نمازت را اعاده نمی کنی.

۷. بنا بر این صحیح زراره، به لحاظ ناسی مخصوص قاعده (لایق) خواهد بود. حکم اعاده بر ناسی غیر ناسی می شود.

(استیغوث)

استیغوث
بیت
مخرج غلط

۸. صورت خیر معذری که با مقصد زدن پیدا است

۹. دست حاتا ع
یا هلتا معضل

۱۰. در زون نام آید بنام بیست و نه

۱۱. پاک و طاهر باشد
۱۲. عیبی نباشد
۱۳. از اجزاء حیوان حرام گوشت و حیوانی که ذبح شرعی نشده نباشد.

۱۴. استیغوث استیغوث استیغوث
۱۵. استیغوث استیغوث استیغوث
۱۶. استیغوث استیغوث استیغوث

۱۷. از طلا نباشد

۱۸. از زهر بی حالص نباشد.

۱۹. مستفادات

۲۰. لزوم استیغوث

۲۱. در نماز

۲۲. دلیل آنکه در حاکم در مستمسک! لزوم استیغوث در نماز حدیث برای حالتی که بنده ای سب از روایات
۲۳. نقل شده است و در دلیل و برای پوشش در نماز واجب است.

۲۴. روایت صحیح صفوان بن یوسف به اتفاق قوی با هم در: نوشتن و سوال کرد: دردی آنجا من دارد بر منی از آنجا بودی

۲۵. احادیثی که در حدیث آمده است و وقت نماز استیغوث برسد که نماز فرود شود و آب هم ندرد که تطهیر کند

Arman

۲۶. وظیفه استیغوث حدیث ۶۲ احکام فرمود: در هر دو نماز خواند

۲۷. چون که احکام تفصیلی قائل شدند تا آنکه می کند که استیغوث است

۱- صحت کہ دلیل بر زیادتی، وجود ندارد برای نفس زیادتی لافح است.

۱- مردان از عورت در مورد عیالت

بغیر ما ←
مخرج عاقل

۲- روایت سے مجیدہ زرارہ سے انکس می خواہد نماز بخواند مرد است دشمن را بعد آنک خود نماز از حد عدوم سید ز برای رکوع و سجده اسانہ می کند تا بہیت او نما حرست شود

۳- دلیل ۱ مسطور حصا

۲- مردان از عورت در زمین سے نماز کبرین

۴- روایت صحیحہ علی بن حضرت از زیادہ سان افک جو سی باقم اع استفادہ نمود در این حدیث از حضرت سوال شد زمین است کہ فقط ایک مجلسہ دارد چگونہ نماز بخواند؟ فرمود: خود را در آن بیچہ و برین را بیچہ ساند و نماز بخواند اگر تا سیر از آن خارج شود بر غیر آن موقوف قدرت خداست اگر کسی بگذارد

۱- صورت سے روایت چهار (روسی) مولیٰ ابن ابی نعفور از اقا افاضی (ع) : ان در لباس

۳- موارد استغناء عورت

نماز می خواند، لباس سردتاری، پیراهن، چهار

۴- عبارت تغفل را سجاد رحیمیہ کہ پوشیدن عورت واجب نیست

۲- دست چنانچی

۳- یا عاتاقین

۵- دلیل صحیحہ علی بن حضرت کہ دست دلالت بر وجوب پوشیدن جسم دارد صورت قدرت یعنی کند بلکه عنی الحبلہ دلالت بر وجوب ستر با عی کند

۱- مکان پوشیدن نماز اگر از عی صیاح باشد دلیل مسطور میں حصا

۲- تفاوت: اگر لباس صیاح باشد

۳- مقدار صیاح بودن سے اعتداف تم میں حصا

۴- پس پوشیدن در نماز واجب است

۵- پس پوشیدن در نماز واجب است

۶- پس پوشیدن در نماز واجب است

۷- پس پوشیدن در نماز واجب است

۵ و ۶ لباس نمازگزار \leftarrow از اجزاء حیوان حرام گوشت بنا بر حدیث \leftarrow دلیل \leftarrow روایت موقوفه ابن الجبر است که در آن آمده است از زبانه از اجزاء حرام گوشت است در باره نماز در لباس که از سیم رویه، شکر و سنجاب و دیگر حیوانات است بر سینه حضرت کتانی آورده که کمال برده پس بعد املاء رسول خدا ص است که در آن نوشته بود: نماز خواندن در سیم، هو، پوست، بول، سگ، و هر چیزی از حرام گوشت فاسد است

۶ \leftarrow از اجزاء حرام گوشت \leftarrow حلال گوشتی که ذبح صحیح شده \leftarrow دلیل: روایت زین روایت موقوفه ابن کثیر \leftarrow حرام گوشت

۱۰ \leftarrow دلیل \leftarrow روایت \leftarrow قاعده اصولی یعنی در عبارت موقوفه \leftarrow دلیل احصا من این حکم به مردان \leftarrow طلا برای مرد \leftarrow نظائر عبارت است

۱۱ \leftarrow روایت موقوفه عمار از امام صادق (ع) \leftarrow مرد طلا این پوشیده در آن نماز نمی خواند، زیرا طلا از لباسهای اهل بیعت است و با صندلیه کردن این که سخن عبارت معنی است \leftarrow طلا برای مرد \leftarrow طلا برای مرد باطل است

۱۵ \leftarrow حایر نبودن پوشیدن \leftarrow دلیل: روایت منقحه محمد بن عبد الجبار بن امام ابن محمد (ع) نوشته در سیم آیانماز \leftarrow حایر برای مرد \leftarrow در کاه حدیث و سیم صحیح است حضرت جواب داد: نماز در حایر خالص صحیح است

۱۹ \leftarrow دلیل احصا من این حکم به مردان \leftarrow روایت موقوفه ساجه که حضرت فرمود: سزاوار نیست برای زن در حال احرام لباس حایر پوشیدن \leftarrow احرام لباس حایر پوشیدن \leftarrow این از اسب حضرت عدم حایر پوشیدن حایر برای زنی را محقق به حال احرام کردند، حایر آن در عین حال احرام پوشیده نمی شود

۲۳ \leftarrow مکان نمازگزار \leftarrow ۱- نماز در مکان مغنبی باطل است \leftarrow ۲- نماز در ملک دیگران با اذن مالک صحیح است \leftarrow ۳- نماز در ملک مسترک باید با اذن شرکاء باشد \leftarrow ۴- مکان نمازگزار باید ثابت باشد

صدقات ۱

نیاز باطل است **دلیل:** عقل حرام من تواند صدق واجب باشد یعنی فعل حرام

یعنی تواند موجب تقرب انسان به خداوند باشد.

خواندن نماز در مکان عصبی

بعضی گفته اند عقول مجرب باید مباح باشد.

نیاز صحیح است **دلیل:** با اذن مالک، مکان مباح می شود.

خواندن نماز در ملک

دیگری با اذن مالک

خواندن نماز در ملک مشترک **دلیل:** با اذن همه شرکا و با اذن جمیع است **دلیل:** اگر مالک چند نفر هستند و اذن همه آنها شرط است.

ثابت بودن مکان نماز **دلیل:** اول: اجماع

دلیل دوم: روایت زینب از سکون عقل می کند **دلیل:** اجماع صحیح است

عقل از بعد می خواهد جلو بیاید چه قدرت فرموده در حال حرکت، قرائت نماز

با سینه تا به مکانی که می خواهد برود و بعد حرکت نکند.

نکته: این روایت ضعیف است زیرا (موقوف بودن مؤمن تا بیاید نشسته، اما صفت نذر باطل

صحیح و علی جبران می شود در روایت دیگر است.

احزاب نماز حدیث

۲ تکبیر الاحرام

۳ قیام

۴ قرأت

۵ رکوع

۶ سجود

۷ تشهد

۸ سلام

۱۱ **صراط سبب** → انگیزه برای انجام نماز باید اقتضای امر خداوند باشد → **دلیل**: این گونه نیست کردن لازم و افعال عبادت است
 ۱۲ بین عبادت در حالت ریاء باطل است زیرا داری انگیزه نکر شده یعنی باشد، بلکه با وقوع نظر از این، قصد قرابت با امر عبادی
 ۱۳ بودن عمل است و عمل ریایی محرم و مبیح عبادت است → **دلیل** در روایت صحیح از صحیحین زراره و غیر آن از امام صادق (ع)
 ۱۴ → اگر بنده ای عمل انجام دهد که منتهی طور از آن وجه الله و خانه آخرت باشد و پس رضایت بکند از مردم و ادراک آن
 ۱۵ داخل کند مشرک می باشد → **تفسیر** مشرک → دلالت بر حرمت می کند → لازم می آید آن در اعلان عمل است

۱۷ **روایت دوم** از رسول خدا در حدیث صحیح نقل شده که حضرت فرمودند: **به هر چه امر می شود که داخل عین**
 ۱۸ **سویب** و حازن آن سخن به آتش می گوید: ای اشقیاء حال شما چگونه است؟ گفتند: ما برای غیر خدا عمل می کردیم
 ۱۹ و به ماکفته شد → **توایبان** را از کسی که برای او عمل می کردید بگویید

۲۰ **لا در صورتی که نماز واجب است** → **استه** یا **سئل** → **عقار** اداء باید در وقت آن عین شود
 ۲۱ **تسین نماز** → **حالت اول**: اعلان وقوع نماز بر او واجب است → **حسن** کردن نماز است → **مانند نماز صبح و نوافل** → **دلیل**

چون بدون قصد تسبیح، عنوان عین نمی شود

۲۵ **حالت دوم**: اعلان وقوع نماز بر او واجب نیست → **حسن** کردن نماز سبب نیست → **مثل نذر و نوافل** → **دلیل**

۲۷ **چون در عالم واقع**، تسبیح برای این است که عین تسبیح باشد، بلکه قصد عین کردن امر غیر ممکن است
 در دنیا احوال نقل و تکلیف و هیچ وجهی نیست پس این دو وجه در نماز

Arman

۱ در صورتی که نماز قضا بر عهده شخص نباشد و یا اینکه در دین باشد که آیا نماز قضا بر عهده او است یا نماز ادا، قضا ادا و یا
 ۲ قضا لازم نمی باشد و مستند است زیرا ایدرن قضا ادا و قضا، قضا تعیین حاصل می شود در صورتی که
 ۳ بدون قضا ادا و قضا، ذمه انسان بر عهده است و مستحق نمی شود و اما لازم بودن قضا ادا و قضا در صورتی که ذمه
 ۴ مستوفی به نماز می بود و مرد است یعنی دایم آیا قضا است یا ادا، به این دلیل است که بافتند کردن امثال امری
 ۵ که واقعا به او میوه است، تحقق می شود.

۷ قضا ادا و قضا **لازم است** در صورتی که ذمه انسان به او بر آید و بر عهده مستوفی باشد **دلیل**: بدون قضا ادا
 ۸ در نیت
 ۹ قضا، قضا تعیین حاصل می شود
 ۱۰ **لازم نیست** در صورتی که ذمه انسان مستوفی است و مرد است **دلیل**:
 ۱۱ بافتند کردن امثال امری که واقعا میوه است. امثال تحقق می شود و امثال امری
 ۱۲ که نمی دانی نمازت قضا شده یا نه.

۱۴ اگر در این نماز شک کند که آیا نیت ظهر کرده است یا عصر در صورتی که قبل نماز خوانده نیت می کند که این نماز نماز
 ۱۵ ظهر است و این اگر قبل ظهر خوانده است این نماز باطل می باشد **دلیل**: اگر این شخص واقعا نیت ظهر کرده
 ۱۶ است، صحیح نماز واقع است و اگر واقعا نیت عصر کرده است، برویات دلالت بر لزوم عدول از نماز لاحق به نماز سابق
 ۱۷ در صورتی که خواندن نماز سابق می کند.

۱۹ **محقق در این نماز** **نماز ظهر خوانده** **نماز عصر** **لازم نیست** **عصر**
 ۲۰ در واقع امر نیت ظهر کرده **دلیل**: امر واقع است که نماز ظهر خوانده
 ۲۱ **لازم نیست** **عصر** **لازم نیست** **عصر** کرده **عدول** از لاحق به سابق **لازم نیست**
 ۲۲ **لازم نیست** **عصر** کرده **عدول** از لاحق به سابق **لازم نیست**

۲۳ **نماز ظهر خوانده** **نماز عصر** **لازم نیست** **عصر**
 ۲۴ **دلیل**: چون احوال دارد در واقع نیت ظهر کرده باشد
 ۲۵ **عدول** از سابق به لاحق **لازم نیست**
 ۲۶ **تأکید نمی عدول** **عدول** **لازم نیست** **عصر** کرده **عدول** از سابق به لاحق **لازم نیست**
 ۲۷ **در صورتی** وجود **دلیل** (روایت) از قلمه عدول خارج می شود و بیایز است

Arman
 گفته هر خواننده ای (نیت کن که این نماز بعد از اول تو (ظهر) باشد پس نماز عصر کن و از این نماز عمده است
 است به عیبی ندارد و اگر در وقت از نماز اول و دوم جزو آن است و یاد آید که عصر را خوانده ای نیت کن که این نماز عصر تو باشد.

تکبیر الاحرام

۱- تکبیر الاحرام واجب است

دارای ۶ مسئله می باشد

۲- حتماً باید با صیغه الله اکبر باشد

۳- ترک عمدی آن موجب بطلان نماز می شود

۴- ترک سهوی آن موجب بطلان نماز می شود

۵- زیاد کردن و تکرار عمدی آن موجب بطلان نماز می شود

۶- زیاد کردن و تکرار سهوی آن موجب بطلان نماز نمی شود

مسئله ۱

مسئله شماره ۱

اگر کسی عمدتاً یا تکبیر الاحرام بقوبله نماز می نهد، یا در نماز باطل می شود، دلیل این حکم صحیحی است که از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «در نماز اگر کسی در نماز تکبیر را با صیغه الله اکبر نهد، نماز او باطل است». این حدیث در روایات دیگر نیز آمده است. اما در مورد تکبیر الاحرام نیز در روایات دیگر آمده است که اگر کسی در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود.

مسئله شماره ۲

اگر کسی سهوی تکبیر الاحرام را با صیغه الله اکبر نهد، یا در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود. اما در مورد تکبیر الاحرام نیز در روایات دیگر آمده است که اگر کسی در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود. همچنین مواردی که در حدیث آمده است، قبلاً در این کتاب ذکر شده است. و در مورد تکبیر الاحرام نیز در روایات دیگر آمده است که اگر کسی در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود.

سوال: آیا حدیثی در مورد بطلان نماز در صورتی که در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود. اما در مورد تکبیر الاحرام نیز در روایات دیگر آمده است که اگر کسی در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود. همچنین مواردی که در حدیث آمده است، قبلاً در این کتاب ذکر شده است. و در مورد تکبیر الاحرام نیز در روایات دیگر آمده است که اگر کسی در نماز باطل می شود، یا در نماز باطل می شود.

والگرمی ادعای حدیث لا یقاد یخفف به حاله تصحیه است زیرا که زیاد کردن رکوع، قبل از وقت در نماز،
معتاد ندارد، این گویند یعنی می شود که بعد از این زیاد است در بقیه موارد معتاد دارد و عدم تعدد زیادتی این موارد مانع از
عمومیت حدیث لا یقاد یعنی می شود.

احتمال تکبیر الاحرام

- ۱- تکبیر الاحرام واجب و بلکه رکن است، زیرا واجب آن از غیر در است و این حق باشد.
- ۲- تکبیر حتماً باید با صیغه و الله اعلم باشد، به سبب دلالت صیغه است.
- ۳- ترک عمدی و سهوی تکبیر موجب بطلان نماز می شود چون معنای قاعده جنبه مثبت همین است.
- ۴- زیاد کردن و کسر از عمدی تکبیر موجب بطلان نماز می شود ولی زیاد کردن و کسر از سهوی
آن موجب بطلان نماز نمی شود.

عیام

۳ مسئله در باب عیام

- ۱- عیام در حال تکبیر الاحرام و قبل از رکوع، رکن می باشد و در غیر این دو صورت واجب است
ولی رکن نیست.
- ۲- در صورت عجز از قیام در تمام نماز، باید نماز بنیسه خواند.
- ۳- اگر نماز گزار در بعضی نماز قدرت، بر قیام دارد و در بعضی دیگر عاجز از قیام است، باید بعضی
نماز را ایستاده و بعضی دیگر بنیسه بخواند.

مسئله اول

مسئله اول در رکن بودن قیام اختلاف وجود دارد.

بعضی می گویند عیام فقط در حال تکبیر الاحرام و قبل از رکوع رکن می باشد.

البته باید دانست که از حدیث لا یقاد یعنی ترک رکن بودن قیام را در هیچ حالتی استفاده نکرد، زیرا قیام جزء عبادت

صنند ۱۰۱

تُرک تکبیره الاحرام ← عجز ← نماز باطل است ← دلیل اول: مقتضای قاعده: زیرا اصلک با ازین رکن اجزا ازین نمی رود

← دلیل دوم: روایاتی که می فرماید در صورت قضا صوم تکبیره الاحرام، نماز باید اعلام شود

← عجز ← نماز باطل است ← دلیل: مقتضای خبر بودن آن
(مخصوصاً ذکر سوره)

عجم استناد به حدیث لا تقاد در آیات بطلان نماز در صورت ترک تکبیره الاحرام ← دلیل: حدیث لا تقاد ناظر بر این است که داخل در نماز شده باشد و کسی که تکبیره الاحرام را تلفظ (ولو بصوت) داخل در نماز شده است

صنند ۱۰۲

گفته شد که اگر کسی این نماز را به خاطر زیاد کردن عجزی تکبیره الاحرام باطل می شود به دلیل عمومیت داشتن صحیح این تعبیر است که افعال خاص (ع) فرمودند هر کس چیزی در نمازش ادا کند باید نمازش را اعاده نماید

اما اینکه نماز به واسطه زیاد کردن عجزی تکبیره الاحرام باطل نمی شود به سبب اطلاق مستثنی منه در حدیث لا تقاد می باشد بنابراین که این حدیث شامل حالت زیاد کردن نیز می شود و این حدیث حاکم بر صحیح این تعبیر است که قبل از آنست

و اگر کسی ادعا کند حدیث لا تقاد مختص به حالت تقیسه است زیرا: که زیاد کردن هر چه قبله و وقت در نماز، معانی ندارد اینگونه دفع می شود که بعد از اینکه زیادت در بقیمه موارد مفاد دارد عدم بقور زیاد می این موارد مانع از عمومیت حدیث لا تقاد نمی شود

← عجز ← نماز باطل است ← دلیل: عمومیت صحیح

سؤال: حدیث لا تقاد دلالت بر زیادتی نمی کند زیرا در وقت قبله و هر چه در زیادت معنا ندارد

زیادتی تکبیره الاحرام

← عجز ← نماز صحیح است ← دلیل: اطلاق مستثنی منه جواب: زیادت در بقیمه موارد در رکوع و سجود معنا دارد و عدم بقور در حدیث لا تقاد زیادتی این موارد مانع از عمومیت حدیث لا تقاد نمی شود

سؤال: احادیث لا تقاد در حدیث دلالت بر عدم لزوم اعاده نماز در صورت زیاد کردن تکبیره الاحرام بلند، امام معارف با روایت این تعبیر است که

در آن حضرت فرموده بود هر کس در نماز چیزی را زیاد کند باید نمازش را اعاده کند

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱
۶۱۲
۶۱۳
۶۱۴
۶۱۵
۶۱۶
۶۱۷
۶۱۸
۶۱۹
۶۲۰
۶۲۱
۶۲۲
۶۲۳
۶۲۴
۶۲۵
۶۲۶
۶۲۷
۶۲۸
۶۲۹
۶۳۰
۶۳۱
۶۳۲
۶۳۳
۶۳۴
۶۳۵
۶۳۶
۶۳۷
۶۳۸
۶۳۹
۶۴۰
۶۴۱
۶۴۲
۶۴۳
۶۴۴
۶۴۵
۶۴۶
۶۴۷
۶۴۸
۶۴۹
۶۵۰
۶۵۱
۶۵۲
۶۵۳
۶۵۴
۶۵۵
۶۵۶
۶۵۷
۶۵۸
۶۵۹
۶۶۰
۶۶۱
۶۶۲
۶۶۳
۶۶۴
۶۶۵
۶۶۶
۶۶۷
۶۶۸
۶۶۹
۶۷۰
۶۷۱
۶۷۲
۶۷۳
۶۷۴
۶۷۵
۶۷۶
۶۷۷
۶۷۸
۶۷۹
۶۸۰
۶۸۱
۶۸۲
۶۸۳
۶۸۴
۶۸۵
۶۸۶
۶۸۷
۶۸۸
۶۸۹
۶۹۰
۶۹۱
۶۹۲
۶۹۳
۶۹۴
۶۹۵
۶۹۶
۶۹۷
۶۹۸
۶۹۹
۷۰۰
۷۰۱
۷۰۲
۷۰۳
۷۰۴
۷۰۵
۷۰۶
۷۰۷
۷۰۸
۷۰۹
۷۱۰
۷۱۱
۷۱۲
۷۱۳
۷۱۴
۷۱۵
۷۱۶
۷۱۷
۷۱۸
۷۱۹
۷۲۰
۷۲۱
۷۲۲
۷۲۳
۷۲۴
۷۲۵
۷۲۶
۷۲۷
۷۲۸
۷۲۹
۷۳۰
۷۳۱
۷۳۲
۷۳۳
۷۳۴
۷۳۵
۷۳۶
۷۳۷
۷۳۸
۷۳۹
۷۴۰
۷۴۱
۷۴۲
۷۴۳
۷۴۴
۷۴۵
۷۴۶
۷۴۷
۷۴۸
۷۴۹
۷۵۰
۷۵۱
۷۵۲
۷۵۳
۷۵۴
۷۵۵
۷۵۶
۷۵۷
۷۵۸
۷۵۹
۷۶۰
۷۶۱
۷۶۲
۷۶۳
۷۶۴
۷۶۵
۷۶۶
۷۶۷
۷۶۸
۷۶۹
۷۷۰
۷۷۱
۷۷۲
۷۷۳
۷۷۴
۷۷۵
۷۷۶
۷۷۷
۷۷۸
۷۷۹
۷۸۰
۷۸۱
۷۸۲
۷۸۳
۷۸۴
۷۸۵
۷۸۶
۷۸۷
۷۸۸
۷۸۹
۷۹۰
۷۹۱
۷۹۲
۷۹۳
۷۹۴
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰
۹۰۱
۹۰۲
۹۰۳
۹۰۴
۹۰۵
۹۰۶
۹۰۷
۹۰۸
۹۰۹
۹۱۰
۹۱۱
۹۱۲
۹۱۳
۹۱۴
۹۱۵
۹۱۶
۹۱۷
۹۱۸
۹۱۹
۹۲۰
۹۲۱
۹۲۲
۹۲۳
۹۲۴
۹۲۵
۹۲۶
۹۲۷
۹۲۸
۹۲۹
۹۳۰
۹۳۱
۹۳۲
۹۳۳
۹۳۴
۹۳۵
۹۳۶
۹۳۷
۹۳۸
۹۳۹
۹۴۰
۹۴۱
۹۴۲
۹۴۳
۹۴۴
۹۴۵
۹۴۶
۹۴۷
۹۴۸
۹۴۹
۹۵۰
۹۵۱
۹۵۲
۹۵۳
۹۵۴
۹۵۵
۹۵۶
۹۵۷
۹۵۸
۹۵۹
۹۶۰
۹۶۱
۹۶۲
۹۶۳
۹۶۴
۹۶۵
۹۶۶
۹۶۷
۹۶۸
۹۶۹
۹۷۰
۹۷۱
۹۷۲
۹۷۳
۹۷۴
۹۷۵
۹۷۶
۹۷۷
۹۷۸
۹۷۹
۹۸۰
۹۸۱
۹۸۲
۹۸۳
۹۸۴
۹۸۵
۹۸۶
۹۸۷
۹۸۸
۹۸۹
۹۹۰
۹۹۱
۹۹۲
۹۹۳
۹۹۴
۹۹۵
۹۹۶
۹۹۷
۹۹۸
۹۹۹
۱۰۰۰

قیام (قیام) ۱۴۲

قیام سے معروف بن علمای متاخر: قیام در حال بلبیرۃ الاحرام و قبل از رکوع کن است و در غیر این دو صورت اگر چه واجب است و لیکن سنت است.

مقدار رسیت سے در حال بلبیرۃ الاحرام سے دلیل سے روایت سے وقت نماز حضرت فرمود: اگر نماز در حال قیام برسی واجب باشد و لیکن فراموش کند و در حالی کہ نشسته است نماز را شروع کند، باید نماز را قطع کند.

کے قبل از رکوع سے دلیل سے قوام مفہوم رکوع میں ہی ہے قیام قبل از رکوع است، یعنی یہ صرف خم شدن سے رکوع کہتے ہیں، اگر بلبیرۃ بہ خم شدن کے قبل ان میں شخص اسنادہ باشد رکوع کہتے ہی ہوگا۔

عدم استناد بہ حدیث لا تقاد در ایات کن بلکہ قیام سے دلیل سے قیام یہ نماز کا مورد استناد ہے حدیث لا تقاد ہی باسناد

عدم قدریت سے در نماز نماز سے باید بسند زہیر نماز در حج حال سے سابقہ ہی ہوگی دلیل سے روایت (صحیح جلیل در ایات اعدان دع) یہ سیدم: حدیثی کہ صحابہ ان فرض باید نشسته نماز بخوانند حیدر است؟ حضرت فرمود: کسی کہ اسنادہ ہی گفت و برای او خروج دارد و کن خود او آنگاہ تہ بہ جزو سن است، وظاہر قدرت است باسند

یہ در بعض نماز سے جس جا قادر بہ قیام باشد اس جا عاجز از قیام باشد نشسته نماز بخوانند دلیل سے آن حضرت از روایت کہ می فرماید زہیر کہ قدرت است باسند

قرائت

در دو رکعت اول نماز، خواندن حمد لازم است و در نماز واجب طبعاً تفرصت و رفعاً، خواندن سوره کامل واجب می باشد
بسم الله الرحمن الرحیم طبعاً تفرصت و رفعاً هر سوره ای می باشد بنا بر این خواندن آن واجب می باشد و سوره توبه واجب می باشد

خواندن سوره حمد در ۲ رکعت اول نمازها واجب است
دلیل ۱: امری است که اختلافی در آن نیست.
دلیل ۲: در روایست که صحیح بخاری، مسلم، ابوداؤد، ابن ماجه، ترمذی، از حضرت در صورتی که در نماز سوره حمد را می خواندند سوال کردند حضرت فرمودند هیچ نمازی صحیح نیست مگر آنکه در آن سوره حمد یا بلند خوانده شود.

خواندن سوره حمد در ۲ رکعت اول نمازها واجب است
دلیل ۱: اطلاق روایت بالا

دلیل اختلاف بین فقهاء در روایات
دلیل ۱: خواندن سوره کامل بعد از حمد واجب است
دلیل ۲: خواندن سوره کامل بعد از حمد واجب است
روایت صحیح بخاری، مسلم، ابوداؤد، ابن ماجه، ترمذی، از حضرت در نمازها که در آن سوره حمد را می خواندند سوال کردند حضرت فرمودند هیچ نمازی صحیح نیست مگر آنکه در آن سوره حمد یا بلند خوانده شود.

دلیل ۱: خواندن سوره کامل بعد از حمد واجب است
دلیل ۲: خواندن سوره کامل بعد از حمد واجب است
روایت صحیح بخاری، مسلم، ابوداؤد، ابن ماجه، ترمذی، از حضرت در نمازها که در آن سوره حمد را می خواندند سوال کردند حضرت فرمودند هیچ نمازی صحیح نیست مگر آنکه در آن سوره حمد یا بلند خوانده شود.

دلیل ۱: خواندن سوره کامل بعد از حمد واجب است
دلیل ۲: خواندن سوره کامل بعد از حمد واجب است
روایت صحیح بخاری، مسلم، ابوداؤد، ابن ماجه، ترمذی، از حضرت در نمازها که در آن سوره حمد را می خواندند سوال کردند حضرت فرمودند هیچ نمازی صحیح نیست مگر آنکه در آن سوره حمد یا بلند خوانده شود.

جزء دوم میں اسم اللہ الرحمن الرحیم سے پہلی سورہ صمد سے دلیل اول: اہل مسلمات است

۱۔ دلیل دوم: روایت صحیحہ محمد بن مسلم سے اراکان صانع اور بارہ سبع المائیہ و قرآن عظیم سوال کر دم کہ آیا ان سورہ فاتحہ است؟ حضرت فرمودند: بلہ کنتم کہ آیا اسم اللہ الرحمن الرحیم جزو ہفت آئمہ ہے یا نہ؟ حضرت فرمودند: بلہ اسم اللہ الرحمن الرحیم بدترین ان ہفت آئمہ میں ہے۔

۲۔ دلیل اول: اجماع سے جزو مسلمات سمجھنا

۱۔ دلیل ۱: روایت سے صحیحہ معاویہ بن عمار سے اراکان صانع سے کہ میں نے کر دم: تمہاری کبریاں کیا ہے؟ حضرت فرمودند: بلہ میں نے کر دم: زمانہ کہ سورہ فاتحہ میں جو اسم اللہ الرحمن الرحیم اس سورہ میں ہے؟ حضرت فرمودند: بلہ ہے از این روایت و جواب ضوابط اسم اللہ مفیدہ ہے سورہ دین و جواب ملازم یا حشریت ان میں ہی نماز است۔

جو اسم اللہ سے ہے جزو نماز یا نہ؟ واجب است ۱۔ دلیل ۱: روایت سے بابا ۲۔ دلیل ۲: حنفیہ جو اس میں اسم اللہ الرحمن الرحیم نماز آیات سے ۳۔ دلیل ۳: حنفیہ جو اس میں اسم اللہ الرحمن الرحیم نماز سورہ صمد سے

۱۔ دلیل اول: روایت سے صحیحہ معاویہ بن عمار سے اراکان صانع اور بارہ سبع المائیہ و قرآن عظیم سوال کر دم کہ آیا ان سورہ فاتحہ است؟ حضرت فرمودند: بلہ کنتم کہ آیا اسم اللہ الرحمن الرحیم جزو ہفت آئمہ ہے یا نہ؟ حضرت فرمودند: بلہ اسم اللہ الرحمن الرحیم بدترین ان ہفت آئمہ میں ہے۔

۲۔ دلیل دوم: روایت سے صحیحہ معاویہ بن عمار سے اراکان صانع اور بارہ سبع المائیہ و قرآن عظیم سوال کر دم کہ آیا ان سورہ فاتحہ است؟ حضرت فرمودند: بلہ کنتم کہ آیا اسم اللہ الرحمن الرحیم جزو ہفت آئمہ ہے یا نہ؟ حضرت فرمودند: بلہ اسم اللہ الرحمن الرحیم بدترین ان ہفت آئمہ میں ہے۔

وجود رکوع } دلیل اول سے مندروبات میں ہے

دلیل دوم سے روایات سے روایات کہ برای کیفیت نماز وارد شدہ است استفادہ کرد

وجود رکوع درج } ہر رکعت نماز آیات سے روایات زیادہ است کہ در بیان کیفیت نماز وارد شدہ است

وجود رکوع کن است و نماز نمازین بعد نماز سہو کن یا اہل می شود

زیادہ رکوع در نماز سے دلیل : قاعدہ لا قاعدہ حدیث زرارہ از امام باقر (ع) سے نماز اعادہ

میں شود مگر بہ خاطر کہ حدیث مہارت ، وقت ، تہنہ ، رکوع ، سجود ، پس فرمودند : قرائت و سجدہ سنت مستند

سنت فریضہ یا تقصیر نہیں کند۔ میں اپنی حدیث بہ اطلاق خود شامل عمل اضافہ میں ہو جو غیر عدم مکان تصور زیادہی در بعض افراد مستثنی ، مانع انفاق در مواردی کہ امکان زیادہ کردن وجود دارد نہیں ہو۔

زیادہ رکوع در نماز جماعت سے دلیل : صحیحہ صحیحہ علی بن یحییٰ از امام باقر (ع) ، سوان مردم از فروری

کہ بہ امام اقتدا کردہ است و یا او بہ رکوع ہی رود ، سوسن بر از رکوع ہی در وقت نماز این کہ امام از رکوع بلند شود ، دعا فرمود : رکوع را اعادہ ہی کند و ہمراہ امام ہی ہو۔

اعتبار حضور در رکوع سے دلیل : امام معنای الخوی رکوع بہ حضور ہی باشد

وجود رسیدن سانس } دلیل : روایت سے صحیحہ زرارہ از امام باقر (ع) کہ فرمود : اگر سانس انسان تو در رکوع بہ از نماز دست نہ زانو بند رکوع رکوع رسید کفایت ہی کند۔

سجده

دلیل اول سے ضروریات میں درست

راجوباً دو سجده

در هر رکعت

دستہ ایسی از روایات سے صحیحہ (سماعیل بن جابر از امام صادق دعی) فرمادی فراموشی کی گند کہ سجده دوم را انجام دهد تا هنگامی کہ بعد از سجده یازدهم یادش آید کہ سجده نکرده است حضرت می فرمایند تا هنگامی کہ رکوع نکرده است، سجده کند و اگر رکوع کرد بعد از رکوع بیاد آورد کہ سجده نکرده است نمازش را راجعاً دهد تا این کہ سلام نماز را بدهد و پس از آن سجده فی گند کہ درستی این سجده نقصان می باشد

نقصان سجده سے محذوری؛ نماز باطل است۔ دلیل: لازمہ چیز نیست سجده برای نماز است

بہ صورتی؛ نماز صحیح است۔ دلیل: روایت صحیحہ۔ همان صحیحہ اسماعیل بن جابر

نقصان سجده بہ صورتی محذوری؛ نماز باطل است۔ دلیل: در سجدہ رکن است با توجه بہ قاعده لا اتحاد

نقصان یک سجده بہ صورتی محذوری؛ نماز صحیح است۔ دلیل: صحیحہ اسماعیل بن جابر نے نقلہ: اطلاق حدیث لا اتحاد شامل یک سجده ہم می شود اصلاً حکم یک سجده یا صحیحہ اسماعیل بن جابر از حدیث لا اتحاد خارج می شود

زیادتی سجده سے محذوری؛ نماز باطل است۔ دلیل اول سے اطلاق صحیحہ ایسی بصیرت سے ان کا اتحاد صحیح ضروری ہے کسی کہ در نماز میں چیزی را اضافہ کند، باید آن را اعادہ کند۔ دلیل دوم سے قاعدہ لا اتحاد سے چون بنی جامعہ اطلاق دارستہ شامل موارد اضافہ نہیں ہوگا۔

زیادتی سجده سے محذوری؛ نماز صحیح است۔ دلیل: صحیحہ منصور بن جابر سے اطلاق صحیحہ ایسی بصیرت سے زندگی سے صحیحہ منصور بن جابر از امام صادق نقل می کنند کہ از امام علی در بارہ فرمودی کہ نماز میں جو اضافہ ہو تو صحیحہ میں شود کہ یک سجده را اضافہ انجام دادا است سوال کیوں حضرت فرمودند: نماز را اگر یک سجده اعادہ نہیں کند وہی را برائے یک رکعت اعادہ نہ کند۔

قراموسین یک سجده ہے ہمارے صحیح است ^{روایت} کے صحیح اسماعیل بن جابر است کہ اوست

نیز وہ سجده بر زمین ہے ^{دلیل اول} ہے روایت صحیحہ ہے کہ حکم از امام صادق (ع) ہے (انما صادق (ع) غیر من
و آنچه از آن فی مورد ^{دلیل دوم} ہے حرکت مشہور سجود پیامبر (ص) بر زمین است و نیز ہا میں کہ سجود بر آئینہ جابر شیعہ حضرت
فرمود سجده بر زمین یا آئینہ از زمین فی مورد جابر شیعہ مگر آنچه خود در کتاب خود مذکور ہے

^{دلیل دوم} ہے حرکت مشہور سجود پیامبر (ص) بر زمین است و نیز ہا میں کہ سجود بر آئینہ جابر شیعہ حضرت
فرمود سجده بر زمین یا آئینہ از زمین فی مورد جابر شیعہ مگر آنچه خود در کتاب خود مذکور ہے

مستند

اعتبار بر سجدہ بر اعضا ۹ نامہ همراه است ^{دلیل صحیح} زراہ است احوال باقر (ع) بر رسول خدا (ص) فرمود: سجود
بر آستانہ واجب است: بیست و یک دست و آزانہ و انگشت بزرگ آید

اخصیبت سجده بر تربت

^{دلیل} روایت معاذ بن بن ہمار است: ہوارہ خاک صادق (ع) کہ زرد رنگی از حسین (ع) ہمراہ است
کہ مذاری از تربت اناک حسین (ع) در آن کہم بود، ہمہ جنگا ہمازان را بروی سجادہ خود ریخت
و بر آن سجود ہی کرد پس حضرت من فرمود: سجده بر تربت اناک حسین (ع) عجب حاجی لا دانہ را چہ
عی کہند (مترجمہ اخصیبت تربت اناک حسین (ع) بیازہ دلیل ندارد چون این تربت با حوضی کہ برای بالا
ہمہین کہمہ اسلام بر زمین ریختہ شدہ است

عدم اعتبار بنا بر مستعم مواضع

^{دلیل} اصل برائت زیر اعتقادی دلیل ^{امام} ہے روایاتی بر عدم اعتبار بنا بر مستعم مواضع سجود و غیر
سجود و غیر بیسانی با زمین ^{دلیل} ہے نسبت بہ اعتبار بنا بر باقی اعضاء با زمین ہے از سنیانی با زمین یا آنچه کہ از زمین ہی روید وجود
قاصد است و نیز سجود بر زمین و آنچه از آن ہی روید بیسانی ^{دارو} در عوارض است بہ (اصل برائت) ہی بنا بر عدم
اعتبار دارد

(سجده)

۱- نماز اربعتی ہے بلکہ اربعہ اربعہ اور اس میں از محمد نماز رکعت دوم سے دلیل سے روایت صحیحہ علیہ السلام سے درج ہے

وجوب سجده

علیہ السلام نماز اربعہ اربعہ (نقل شدہ است) اور نماز

این دو رکعت نماز ظہر یا نماز دیگر را خواندنی و

سجده را بعد از آن در رکعت خواندہ بودی و در رکعت

سوم قبل از رکوع سوره شہدی پس شیخ محمد خوان و بلند نماز را

تمام

۲- نماز اربعتی و اربعتی دو بار کہ دو میں نماز بعد از نماز سجدہ سے دلیل سے سیرہ مشرعہ متصل بہ زمان

از سجده آخر رکعت آخر معصوم علیہ السلام

۳- دلیل وجوب سجده ہر وائینی کہ بر سجده بہ صورت کامل دلالت اند یافت ہی شود بلکہ سجده کامل با جمع و آیات ثابت فی خود

(مورد اتفاق است)

۴- اشکال بہ وجوب سجده صحیحہ عبید بن زرارہ کہ می گویند با تمام صلوات علی محمد و آلہ و سلم نماز این کہ از سجده آخر

نماز بلند می شود و طهارت خود را از دست می دهد - حضرت فرمود : نماز س تمام است و همانا شیخ است در نماز است پس

و صورتی گیرد و در جای خود ما مکان نمی نهد و سجده را به جا می آورد - دلالت بر استصحاب می کند

۵- جواب اشکال سے مراد از نیست کہ در روایات اشکال می شود یعنی احکام و قوانینی کہ پیامبر خدا (صلی اللہ علیہ وسلم) تکرار داده است در عین

احکام و قوانینی کہ خداوند تعالی آنها را واجب کرده است لذا تعبیر سنت در این روایت به معنای استصحاب سجده در رکعت

آخر نماز نخواهد بود

سوال سے با توجه بہ اینکہ صحیحہ علیہ السلام دلالت بر وجوب سجده در رکعت آخر نماز نمی کند دلیل وجوب سجده چیست ؟

جواب سے دلیل وجوب سجده در رکعت آخر نماز سیرہ مشرعہ ہی است کہ میان مشرعہ و واج دانستہ است و بہ زمان

معصومین (صلی اللہ علیہ وسلم) متصل می شود

کیفیت محمد

۱۔ قول مشہور: اَسْمَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 ۲۔ قول برحق: اَسْمَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 ۳۔ قول شیخ صدوق: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ

۴۔ روایتی کہ بڑھد بہ طور کامل تلاوت
 ۵۔ گذر وجود بزار دو شہد کامل با جمع و ایاز
 ۶۔ کتابت ہی گو دنیا بر این طبق قول مشہور
 ۷۔ عمل ہی کنیم

دلہ احسان محمد

۱۔ وجوب ذکر صحابہ کرام در شہد: صحیحہ محمد بن مسلم لہذا امام صادق ص
 ۲۔ حضرت فیروز د اہر تہ واجب است، بعد من کریم لہذا تہ ہمہ لہوا ای حضرت فیروز د ہنگامی
 ۳۔ کہ ہی نہیں س بگو: اَسْمَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 ۴۔ شہد از شہد معنی فرقی نہ سکی

۵۔ حضرت فیروز د اہر تہ واجب است، بعد من کریم لہذا تہ ہمہ لہوا ای حضرت فیروز د ہنگامی
 ۶۔ کہ ہی نہیں س بگو: اَسْمَدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 ۷۔ شہد از شہد معنی فرقی نہ سکی

وجوب ذکر صلوات بر محمد

۱۔ صحیحہ ابن بصیر فرزارہ: اماک صادق دع ضروری ہوا صلوات بر پیامبر
 ۲۔ صلوات کامل شدن نماز ہی سؤ دو کسی کہ آن بر از زوی محمد ترک کنڈ نماز ہی
 ۳۔ صحیحہ نحو آمد بود

۴۔ اماک صادق دع ضروری ہوا صلوات بر پیامبر
 ۵۔ صلوات کامل شدن نماز ہی سؤ دو کسی کہ آن بر از زوی محمد ترک کنڈ نماز ہی
 ۶۔ صحیحہ نحو آمد بود

ترتیب اذکار شہد

۱۔ سیدہ قطبہ مکرعہ: اھمیتہ دوم البرجہ بر تعیین محل صلوات دلالت ہی لیند
 ۲۔ لکن سیدہ قطبہ بر ای تعیین محل آن کفایت ہی کنڈ

۳۔ اھمیتہ دوم البرجہ بر تعیین محل صلوات دلالت ہی لیند
 ۴۔ لکن سیدہ قطبہ بر ای تعیین محل آن کفایت ہی کنڈ

اسلام رابن

۱۔ اسلام آخروین چیزہ نماز است و بہ واسطہی آن خروج از نماز محقق ہی سؤ دو آنجہ با نماز منافات راست، حلال ہی سؤ دو
 ۲۔ صلوات بر ای سلام نماز اصغیرہ وجود دارد: السلام علیا و علی عباد اللہ العالمین، السلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ و با جہر کلام از این
 ۳۔ اصغیرہ شروع سؤ دو، خروج از نماز محقق ہی سؤ دو

۴۔ صلوات بر ای سلام نماز اصغیرہ وجود دارد: السلام علیا و علی عباد اللہ العالمین، السلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ و با جہر کلام از این
 ۵۔ اصغیرہ شروع سؤ دو، خروج از نماز محقق ہی سؤ دو

وجوب اسلام - دلیل اول - قول مسعودی

دلیل دوم: روایتی است که مؤلف آنی یسیراً ابو بصیر می گوید از امام صادق (ع) مستندیم که در باره فردی که نماز صبح خوانده بود و گفت که بعد از آن که شسته بود دستش از این که شسته بود اندک خون ریخت و سوره بود و فرمودند از نماز خارج می شود و دعا عشق را می شود پس باز می گوید و باز می گوید که نماز کند زیر اسلام یا بیان نماز است

کسی ملتفت در ستم و تحقق انصاف - دلیل اول - قول مسعودی

دلیل دوم: صحیح حدیثی از امام صادق (ع) با بعد از آنکه می گوید که خدا در سوره بقره را نازل کرد، هر چند نماز است و اگر بگویند السلام علینا و علی عباد الله الصالحین از نماز خارج شد یا ای

دلیل سوم: روایتی است که مؤلف حضرت از امام صادق (ع) می گوید که عرض کرد من از امام جماعت جعفری هستم حضرت فرمودند که سلام بر دو به اهل آن عزت تو چه کنی و در سلام نماز بگو: السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علیکم

احکام استکون

- ۱ کسی که در انجام نماز در داخل وقت است و کند یا از آن است که نماز را بخواند بعد از آن که در خارج وقت است.
- ۲ کسی که در چیزی یا شرط بعد از آنکه از نماز است کند، نباید به آن اعتنا کند.
- ۳ کسی که در فعلی بعد از آنکه در وقت است کند یا در آن است که آن را انجام دهد است و اگر قبل از در وقت فعل دیگری برایش شد حاصل شود آن را انجام می دهد.
- ۴ کسی که در صبح بودن آنچه انجام داده است شک کند بنا بر این جهت آن که در هر چند در فعل دیگری وارد شده باشد.
- ۵ شک در بعد از آنکه کسی یا از کسی، ۳ از کسی، ۲ از کسی، اول نماز از کسی باعث بطلان نماز خواهد شد.

۶ کسی کہ بین نماز ۴ رکعتی رکعتیں اور بعد از تمام شدن ذکر واجب سجدہ آخر شد کند بنا بر این ۲ رکعتی ندارد و بعد از رکعت نماز احتیاط استیبارہ یا ۲ رکعت نسبتہ بجای آورد.

۷ کسی کہ بین ۳ رکعتی رکعتی بنا بر این ۱ رکعتی و بعد از رکعت نماز احتیاط استیبارہ یا ۲ رکعت نسبتہ بجای آورد.

۸ کسی کہ بین ۲ و ۳ بعد از تمام شدن ذکر واجب سجدہ آخر شد کند بنا بر این ۲ رکعتی ندارد و ۲ رکعت نماز احتیاط بجای آورد.

۹ کسی کہ بین ۲ و ۳ بعد از تمام شدن ذکر سجدہ آخر شد کند بنا بر این ۲ رکعتی ندارد و ۲ رکعت نماز احتیاط استیبارہ و ۲ رکعت نماز احتیاط نسبتہ بجای آورد.

۱۰ کسی کہ بین ۲ و ۳ بعد از سجدہ آخر شد کند بنا بر این ۲ رکعتی و ۲ سجدہ سجود بجای آورد. و اگر شد بین آورد در حال تمام باشد یعنی نسبتہ و حکم کسی کہ بین ۲ و ۳ دارد بر او تسبیح می شود.

توضیح به عدد رکعات، حکم یقین را دارد به خلاف قضیہ افعال کہ حکم شد را حواحد است.

مستحبات

در وقت نماز را بخواند در دلیل اولیہ سے استیجاب عدم اداء

در دلیل دوم سے عامیہ استفعال یقینی

در دلیل سوم سے روایت سے صحیحہ زراره و فضیل از اقا باقر سے چنانہی

کہ در وقت نماز واجب یقین یا تکمیل کردی کہ نماز را بخواند ای برادر زمان

وقت آن یقین کردی کہ انجام ندادی، نماز را بخوان و اگر بعد از خروج وقت

در حالہ کہ جائزہ ایجا رسد بود لازم نیست بہ خاطر شک نماز را ادا کنی تا اینکہ

یقین کنی پس اگر یقین کردی بر تو واجب است در هر حالہ کہ بودی نماز را

خواند.

در دلیل اول سے روایت سے صحیحہ بیسن آ

در دلیل دوم سے امر بہ ادا ازین وقت بہ دلیل سے استمال

در دلیل سوم سے امر بہ قضا و مشکوک است

تا بہ این اصل برائت جاری می شود.

سنگ در اجزای یا ... در حین نیاز ... قبل از داخل شدن در حین ... واجب است آن چیز مشروط بر آنجا آورد.

لم دلیل اول: بقالت معصوم شرط در روایت ...

لم دلیل دوم: اصل استصحاب ...

لم بعد از داخل شدن در حین عبور؛ پیش از آنکه ...

به دست می آید (صیغه زراره) به اعاک همانی ... سنگ می کند در حالی که وارد اقا ...

لم بعد از اینها نیاز ...

بن مسلم استفاده می شود که از اعاک ... در آن سنگ کردی ...

پہلے ۲ صفحہ ۱۵۴

شک در صحت خبری کہ انجام شدہ ہے بنا بر صحت گذارند سے دلیل موقوفہ محمد بن مسلم ہیں ہے و با این تفاوت عیان قاعدہ تجاوز کہ در تطبیق آن ورود بہ خبری معتبر است و احوالہ العتد است کہ در آن ابن السکون معتبر است، روشن می شود و منشاء اخلاقی کہ بیان شد این است کہ صحیحہ زرارہ، مدرک قاعدہ تجاوز، ورود بہ خبری را معتبر دانسته برخلاف موقوفہ کہ مدرک احوالہ العتد است و در آن ورود بہ خبری شرط نشده است.

* فرق میان قاعدہ فروع و تجاوز ہے شرطیت و ورود فعلی خبری در خبریان قاعدہ تجاوز
عدم در خبری

شک در مقدار ہے اصل اولی، اطلاع دلیل استقامت قیدین کند ہے حکم بنا بر اقل ہی گذاریم چون اقل یعنی است رکعات نیاز

کہ اصل ثانوی، موقوفہ چهاریم اطلاع دلیل استقامت قیدین کند ہے حکم بنا بر اکثر ہی گذاریم (در موقوفہ چهارم از امام صادق (ع) یا بخار حکم ہم صحیح را در اکثر برای و جمع ہی کنم؛ چنان ہی کہ شک کردی پس سلام بدہ و کامل کنی آنچہ را گمان ہی کنی تا حقن انجام داده ہی.)

بنا بر این مقتضای اصل ثانوی بہ خاطر وجود موقوفہ مذکور شد، حکم بہ صحت و لزوم بنا بر اکثر در حد نمازی است کہ در عدد رکعات آن شک شدہ است مگر این کہ دلیل خاص برخلاف این حکم دلالت کند کہ تخصیص اصل اولی با آن لازم ہی نہ شود چنانکہ وہ کہ در نماز رکعتی و غیر آن ملاحظہ خواہم کرد.

مسئلہ ۸
شک در آرا رکعت اولی نماز باطل است سے دلیل روایت ہے اما بطلان نماز با شک در رکعت اولی برخلاف شیخ صدوق کہ بہ او خبرین اعادہ و بنا بر اقل نسبت ندارد شدہ است بہ دلیل صحیحہ زرارہ ہی باشد؛ امام باقر (ع) فرمود: آنچه خدا بر بندگان واجب کردہ بود نماز رکعت بود در آن نماز رکعت قرأت بود در آن وہم (یعنی صحیحہ و استہ) نسبت ہے پس فریاد کرد رسول خدا (ص) نماز رکعت و در آن وہم هست و قرأت نیست پس کسی کہ شک در نماز رکعت اولی کند یا نماز را اعادہ کند و از روی یقین انجام دہد و اگر کسی در رکعت اخیر شک کند بہ وہم عمل ہی کند.

مسئلہ ۹
شک در نماز اگر کسی نماز باطل است سے دلیل روایت ہے صحیحہ زرارہ ہیں

مسئلہ ۱۰
شک در رکعات نماز اگر کسی نماز باطل است سے دلیل روایت ہے صحیحہ حصص روایت از امام صادق (ع) کہ در نماز نماز با شک کردی آن را اعادہ کن.

مسئله ۳۳
شک بین آواز
در هر جای نماز باشد نیاز بآن ندارد **دلیل** : مجموعت مؤلفه نماز است

بگر رکعت نماز احتیاط استاده و یا رکعت **دلیل** : روایتی است که صحیحه حلبی از امام صادق (ع) روایت کرده است که اگر کسی در نماز احتیاط بخواند

یا رکعت و گمان تو به سومی چیزی نمی رود،

یعنی سلام بده و پس از رکعت نماز بخوان در حالی

که پشتت این و در آن سوره حمد را می خوانی

مسئله ۳۴

دلیل تخفیر در نماز احتیاط بین **دلیل** روایتی به استناد خواندن نماز احتیاط و روایتی دیگر به استناد خواندن دلالت دارد با جمع

استاده و سسته

یعنی این دو روایت تخفیر بولن بین نماز احتیاط استاده و سسته معلوم می شود

بم دلیل جمع بین صحیحه سینه و صحیحه زبانه می باشد از لایحه از امامان (ع) را بر همین دانند در رکعت ۳ است یا ۲

یعنی است و یک رکعت دیگر اضافه می کند و چیزی بر او نیست و بعضی را با شک نقل می کنند و شک را داخل یقین نمی کنند

و فراد از قول امامان (ع) قیام بر ای خواندن یک رکعت دیگر به صورت جداگانه از نماز می باشد یعنی

رکعت احتیاط به نماز متصل باشد به دلیل استیفاء مقتضای مزاج انجام آن به صورت جداگانه باشد

مسئله ۳۵

شک بین **دلیل** بعد از اتمام سجده باشد **دلیل** اول : مجموعت مؤلفه نماز

۱. بنا بر این ۲. بگذارد

۳. رکعت نماز احتیاط استاده بخواند **دلیل** دوم : روایت صحیحه زبانه

نمازگزار می داند در رکعت دوم هست یا چهارم ؟ حضرت فرمود : سلام نماز را می دهد و می ایستد پس رکعت نماز

می خواند و چیزی بر سجده او نیست

مسئله ۳۶ **دلیل** از آنکه واجب سجده **دلیل** از آنکه در تمام سوره نماز است و رکعت چهارم می شود

مشهد ۱۸
شک بین آورده

۱. عبد از جمال آسجده باشد
۲. بنا را بزرگ بگذارد
۳. اگر رکعت نماز احتیاط استاده و اگر رکعت نماز احتیاط نشسته بخواند

دلیل: روایت

مشهد ۱۸
شک بین آورده
معنی عبد الرحمن بن حجاج از امام کاظم (ع) ، امام کاظم (ع) ، از پدر بزرگوارشان (ع) اقا صادق (ع) سوال می کند: هر دوی من دانستم دو رکعت نماز خوانده است یا ۳ رکعت یا ۴ رکعت ؟ اقا صادق (ع) فرمود: اگر رکعت نماز احتیاط استاده می خواند پسین اگر رکعت نماز احتیاط می خواند در حالی که نشسته است .

مشهد ۱۸
شک بین آورده
عبد از جمال آسجده باشد
دو سجده سحر هم جا آورد

مشهد ۱۸
شک بین آورده
معنی ابی بصیر از اقا صادق (ع) ، دلالت می کند: در این سخن دانستم که دو رکعت خوانده ای یا ۳ رکعت ، عبد از سلام نماز در حالی که نشسته ای ۲ سجده سحر و احتیاط کرده و عبد از آن ۲ سجده سلام کرده .
و معتقد کردن حکم مسئله به عبد از سجده آخر ، به دلیل استظهار آن از تعبیر فعل صامتی اصلیت می باشد

مشهد ۱۸
شک بین آورده
در حال قیام با سحر

دلیل: روایت شد نماز تکرار از شد
۱. اگر رکعت نماز احتیاط استاده یا اگر رکعت احتیاط نشسته بخواند
که در این صورت باید وظیفه شک گفته

بین ۳ و ۲ انجام دهد زیرا عنوان خواننده رکعت یا اگر رکعت صدق می کند

در اینجا تا وقتی که شک تازه باشد که ایستاده باشد قبل از سجده تا آخر عنوان ۵ رکعت خوانده ای یا اگر رکعت صدق می کند بلکه عنوان ۳ رکعت خوانده ای یا اگر رکعت صدق می کند که در صحیح جلیلی مشهد ۱۸ وارد شده بود . پس باید قیام از بین برد (رها شود) و سلام داده شود و حکم شک بین ۳ و ۲ تسبیح داده شود .

Shuman

مستند

۱. ظن در تعداد درکات نماز به حکم یقین است ← دلیل: روایت است که احکم از این روایت

۲. به دست می آید حکم اول: محل بر طبق ظن واجب است. یعنی مختلف جناب است که اگر نماز به طرف
احتمال مساوی مقابل سید یا بدیه همان محل کند

۳. حکم ۲: در صورتیکه دو طرف سید مساوی باشد اعاده واجب است یعنی اگر ممکن تلف
به یک سمت مقابل نشود و در صورتی با توجه به یاد یا بدیه از اعاده کند.

۴. و اما این که ظن به عدد رکعات به حکم یقین است به دلیل صحیحه صفوان از ابی الحسن (ع) است: داد اگر ظن دان
که چند رکعت نماز خوانده ای و گمانت به سومی چیزی یعنی رود آن را اعاده کن

۵. به درستی که این صحیحه بر حکم دالالت می کند و واجب بودن عمل کردن به آن وجه و هم یعنی سید

۶. و همچنین در اعاده در صورتیکه سید به طرف مساوی باشد

۷. که حکم دوم با اولیٰ احکام یکسان است که گذشت تصدیق ده می شود زیرا آن دسته از احکام که با دلیل معتبر از حکمت
این حکم (در صورت اعاده) خارج شده اند.

۸. و اما این که ظن در افعال به حکم سید است به دلیل این است که سید در علم لغت به معنی خداوند علم است.

۹. و احتیاط سید به معنایی که در احتمالات مساوی المشرعین است اصطلاح خاصی است که عمل آن بر بطون

۱۰. شرعی معنایی ندارد. هر چنانچه احتیاط آن معنای اصطلاحی در باب رکعات به خاطر وجود دلیل
خاص می باشد.

۱ شرط نماز قصر داشته باشد مسافری را هر کس کند که از فرسخ است بحال همده باشد (فقط رفت باشد) و یا
 ۲ تلفیقی (رفت و برگشت) باشد هر چند اراده نداشته باشد که در همان روز برگردد

۳ قصر عبور از وطن خود را نداشته باشد و یا قصره باشد ۵ روز قبل از رسیدن به آن فرسخ را
 نداشته باشد

۴ سفر مباح باشد

۵ سفر به عنوان سفلی است یا بکسرده باشد

۶ از کسین نباشد که خانهاش به همراه او است

۷ رسیدن به حد ترخص

حد ترخص همان است که اهل شهرش را نبیند و یا صدای اذان شهرش را نشنود

۱ مرسوم قصر نماز در ۳ دلیل اول: ضروریات فقهیه

دلیل دوم: روایات قصر بودن نماز صدقه این است که خداوند به وسیله آن بزرگوارانیت
 بخارده است، و آیا کسی از شما دوست دارد و قبح صدقه ای دارد او بگیرد بزرگوارنده شود؟

در حدیث دیگر زراره از ابا بکر (رض) آورده است: یا مسافر اگر (ص) قوی که وقتی بلاد افخاری میگردند و

نماز را قصر بن خوانند بزرگوارند اگر نشیند را، معصیت کار نباشد و فرمود: آنها تا روز قیامت

معصیت کار هستند و ما فرزندان و فرزندان فرزندان آنها را تا امروز می شناسیم.

۲ اختصاص قصر به ۳ دلیل اول: ضروریات دین

نمازهای اگر کعبه کم دلیل دوم: دلالت برخی بقوه

۳ شرط بودن قصر مسافت شرعی در قصر نماز ۳ دلیل: در بین علمای شیعه اختلافی در آن وجود ندارد و اما افراد خاصی مثل

داود بن علی طاهری و محمد بن حسن، صدق عنوان مسافر را در مسافر بودن
 و قصر نماز کافین می دانند.

۱ اعتبار ۸ فرسخ ← عقیدت در روایات
 ۲ برای تحقق تسبیح و وجود دارد
 ۳ طی مسافت در یک روز
 ۴ طی مسافت در طول روز
 ۵ ۴ فرسخ در چهار فرسخ
 ۶ چهار فرسخ برود و ۴ فرسخ برگردد تا ۱۲ میل و ۸ فرسخ
 البتة این دو مورد برکنار هم می شود که عقیدت برگشت در
 همان روز را دارد.

آنچه از این روایات به دست می آید طی ۸ فرسخ است.

۹ اعتبار عقیدت طی مسافت
 ۱۰ ← دلیل آنقدر نماز وقتی جایز است که تلف به حدیثی برسد در حالی که هنوز طی مسافت ۸ فرسخ در خارج تحقق نشده است و لازمه این مطلب آنست که ملاک در عقیدت نماز، عقیدت طی مسافت باشد. علاوه بر این به موقوفه بخار نیز استناد کنیم. (استند ذکر می شود)

۱۴ کفایت طی مسافت
 ۱۵ تلفیق در صدق سفر
 ۱۶ دسته اول روایاتی که ملاک عقیدت را طی ۸ فرسخ ذکر کرده اند.
 دسته دوم روایاتی که ملاک عقیدت را طی ۴ فرسخ ذکر کرده اند.
 دسته سوم روایاتی که ملاک عقیدت را ۴ فرسخ زفت و ۴ فرسخ برگشت ذکر کرده اند.

آنچه از مجموع این روایات به دست می آید آنست که روایات دسته سوم بین روایات دسته اول و دوم هم می شود و در هر دو مورد مسلم تقدیر به تلفیق شده است.

۱۸ روایات دسته اول: موقوفه میماند از حضرت سوال کردم از مسافر که در چه مقدار نماز می خواند؟ حضرت فرمود: در طی مسیر یک روز، و آن ۸ فرسخ است. که ملاک را ۸ فرسخ قرار داده است.

۲۰ روایات دسته دوم: صحیح زراره از امام باقر (ع) نقل کرد: عقیدت نماز در یک روز است و یک برید ۴ فرسخ است. ملاک ۴ فرسخ قرار داده
 ۲۱ روایات دسته سوم: صحیح معلوم و ذهب: به امام هادی (ع) عرض کردم: کیم ترقی مقدار نماز عقیدت می شود چیست؟ فرمود: ۴ فرسخ برود و ۴ فرسخ برگردد، که ملاک را از فتن ۴ فرسخ به ضمیمه برگشتن ۴ فرسخ قرار داده است.

۲۴ ← با روایات دسته سوم بین ادسته اول جمع می شود و در هیچ مقدس مسلم از اعاک با قرین، تقدیر به تلفیق شده است:
 ۲۵ سوال کردم از حضرت در مورد عقیدت نماز حضرت فرمود: ۴ فرسخ، گفتم: ۴ فرسخ؟ فرمود: همانا ۴ فرسخ است و ۴ فرسخ برگشته است پس آن روز را نیز گرفته است.

۷

اما این که معتبر نیست در جهان روزی که در صورتی که طی مسافت به صورت تلفیقی باشد، بخلاف قول بعضی از علمای
 خاطر اطلاق صحیحه معایر این وجه که گذشت در فرمود اکثر شیخ فخر بود و کافر شیخ برفی کرد
 و ادعای این که این روایت معتبر است در آن روز یا آن شب، و همچنین ندارد، مخصوصاً در آن زمان
 (زمان مخصوصی که طی مسافت به شخصی صورت می گرفت)

۱ دلیل اعتبار رفتار معتبر مسافر بر سفر (استمرار)

اما این که معتبر است، قصد سفر را داشته باشد، به خاطر این است که اگر قصد او استمرار نداشته باشد، یا سفری
 می شود که برفی کرد و مسافت را به صورت مستمر طی نمی کند، لازم بود آنجا که نیاز در این صورت واقع است
 چون طی مسافت که شرط قصد بود تحقق نشده است، و یا استمرار در طی مسافت هست (اما قصد ندارد)
 در این صورت هم واجب است تا از آن کامل بخواند
 چون ظاهر موقوفه نماز از اوقات صلواتی، سوال کردیم از حضرت در مورد کسی که برای حاجتی خارج می شود و شیخ
 یا شیخ فخر شیخ را طی می کند و بی آبادی می رسد و در آن می ماند پس ۵ یا ۶ فرسخ را طی می کند و از آن مسافت
 تجاوز نمی کند پس در جهان مکان می ماند، حضرت فرمود: مسافر نیست مگر اینکه از منزل بیاید یا بیرون
 هست فرسخ می رود، پس باید نماز را کامل بخواند، معتبر بودن قصد و مستمر بودن قصد طی مسافت است

۹ دلیل اعتبار عدم قصد عبور از وطن در قصد نماز

اما این که معتبر است قصد عبور از وطن را نداشته باشد، برای او اذیت شدن آن باید که مطلب بیان شود
 چرا عبور از وطن هر چند بدون قصد عبور از آن، حکم سفر را قطع می کند به گونه ای که نیاز به قصد طی مسافت
 جدید دارد، و مسافت طی شده به مسافتی که می خواهد طی کند منضم نمی شود؟
 این مطلب به این خاطر است کسی که از وطن دوم خارج می شود مانند کسی است که از وطن اول خارج برده است
 در این که دلیل و جواب قصه نماز حکم می کند برای فردی که از آنجا برود و از آنجا عبور کند مگر بعد از قصد طی
 سفر از وطنش، چون بین او وطن غرض وجود ندارد

۱۰ چرا قصد عبور از وطن مانع از حکم کردن به قصد نماز است، هر چند عبور از وطن در خارج تحقق نشده باشد؟

این مطلب به خاطر این است که ظاهر دلیلی که قصد را معتبر می داند که موقوفه نماز است اگر درست است معتبر
 بودن صدق مسافر است به فرد در طول مسافت و این که قصد سفر را ببدای سفر متعلق به مسافت
 است که عنوان مسافر در طول طی آن مسافت بر او صدق نکند

Arman

۱. دلیل اعتبار عدم قصد اقامت ده روز در قصر نیاز

۲. معتبر بودن عدم قصد اقامت ده روز قبل از اقامت مسافت (افرنج) این از مسائلی است که اختلاف در آن نیست.
۳. اما مطلب ← اگر اقامت در جایی که قبل از اقامت مسافت هر چند بدون قصد قبلی سفر را قطع می کند، به گونه ای که قصر نیاز نیاز ندارد به قصد مسافت جدید و مسافتی که محل خواهد کرد به مسافتی که در آن کرده صحنه این می شود.
۴. بنا بر قول کسی که قابل استیم این که مانند ده روز در جایی سفر را هم موقوف عاود هم حکما قطع می کند، بنا بر این که فقط
۵. حکما سفر را قطع کند و شرط قصد نماز صدوق عنوان مسافر است در طول طی مسافت، بنا بر آن چه از موقوف عاود
۶. که گذشت ظاهر می شود.
۷. اما بنا بر اینکه مانند ده روز، فقط حکما سفر را قطع کند، برای وجوب ایام نماز به استیجاب آنها نیز (که قبل از شرکت وطنی او بود) استدلال می شود.

۱۰. قصد

۱۱. اگر اقامت (ده روز) قبل از طی مسیر سفر را قطع می کند، در جایی که در خارج اقامت محقق شده است؟
۱۲. به خاطر این است که آنچه از ادله وجوب قصر نماز استفاده می شود وجوب قصر است با قصد افرنجی که باطن آن عنوان مسافر صدوق می کند، و با قصد اقامت در بین راه این (قصد افرنجی) محقق نشده است، بنا بر این که قصد
۱۳. (اقامت ده روز) هم حکما و هم موقوف عاود سفر را قطع می کند، نه این که فقط حکما سفر را قطع کند.
۱۴. اما بنا بر انقار قاطعیت حکم و موقوف عاود سفر نیز و استیجاب قصر، و وجهی که در این سفر باطن عرفی که
۱۵. اجماعی بقصدی بر آن قائم شده باشد.

۱۸. اما معتبر بودن صحیح بودن سفر، به خاطر صحیح بودن زبانه است، از افعال صادره صحیح، سوال کردیم از کسی
۱۹. که برای صحیح خارج می شود، آیا نماز من را قصد می کند یا تمام می خواند؟ فرمود: تمام می خواند، چون قصد درستی را نرفته است.

۲۲. سفر به عنوان آن شکل نباشد، چون فی الجملة مورد اتفاق است، و وجهی زبانه بر آن دلالت می کند.
۲۳. اما با تریغ، فرمود: اگر و نه واجب است نماز را تمام بخوانند، در سفر یا سفر یا در حضور و وطن خود، با تریغ در حدیث
۲۴. (۱۳۱)، که تریغ می شود (کسی که خود را اجیر کاری می کند)، چه با آن، و قاطعاً، چون اینها سؤال این است اگر و نه هستند.
۲۵. و کسی هم که سفر مقدمه سئل او هست نیز صدوق می کند (و وجوب ایام نماز) با استیجاب بر عموم سئل

۱۳ فردی نباشد که خانه اش همراه او است (عسکری) به خاطر مولفه ~~السحاق بن عمار~~ است. از حضرت سوال کردند در مورد ملوانان و اعراب (باید شنید) آیا تلفظ آنها تصدیر است؟ فرمود نه چون خانه آنها همراه ایشان است. به خاطر عدم استقرار آنها در مکان و عین صدق نمی کند. پس ملاقات با آنها کامل است.

۱۴ معتبر بودن رسیدن به حدیث حقیق، به خاطر دلالت روایات بر آن است. البته روایات در عین حدیث عقلی اختلاف دارند.

صحيح محمد بن مسلم: به اتفاق صحابن روی کردند: فردی بار باره سفری کند و خارج می شود در چه موقع نماز را تصدیر کند؟ فرمودند وقتی از خانه فاصله گرفت. که فاصله گرفتن از خانه هار که معمولاً نشانه آن نزدیکی اهل آن آبادی است، معتبر دانسته است.

صحيح عبد الله بن عثمان از امام صادق (ع): از حضرت در مورد قصر کردن نماز سوال کردند، فرمودند: اگر در جایی بودی که اذان را می شنوی پس باید نماز بخوانی، و اگر در جایی بودی که اذان را نمی شنوی پس باید قصر بخوانی، و اگر از سفر هم بازگشتی همین گونه است. معنی شدن اذان را معتبر دانسته است.

در این صورت بین اطلاق معنوم حرکت از ۲ وجه به معنوق دیگری بخارجین به وجود می آید. **بطلان این بخارجین** ممکن است به این که اولی (یعنی اطلاق معنوم را) به روی (معنوق دیگری) قصر کنیم و در این صورت است که تحقق یکی از آن دو (خفا و اذان یا فاصله گرفتن از خانه ها) در قصر نماز کافی است.

حوالطع سفر

۱) با گذشتن از وطن

۲) عزم بر ماندن هار و زیست سرجم در مکان واحد

۳) به مدت ۳۰ روز در جایی ماندن در حال تریدید

چیزهایی که سفر واقع می کند

۱) قطع سفر با گذشتن از سفر هم **روایت ۱۸** فرموده که قبل از آن است

۲) اقامت هار و سفر واقع می کند این از مسلمات است. **بجز روایت ۲۰** زاره از امام باقر (ع) دلالت می کند به حضرت عرض کردند: تقاضای شما در مورد کسی که وارد جایی می شود تا چه موقع باید نماز را قصر بخواند و چه موقع باید تمام بخواند؟ حضرت فرمود: اگر داخل جایی شدی و تبیین داشتی که در آنجا هار و روز خواهی ماند پس نماز را

Arman

۱ نماز بخوان. اما اگر ندانستی که آیا در آنجا خواهی ماند و می‌گویی فردا خارج می‌شوم یا روز بعد از آن، پس نماز
 ۲ را قصر بخوان از آن زعمانی که در آن عسرت تا این که یک ماه بگذرد، و اگر یک ماه تمام شد پس نماز را تمام
 ۳ بخوان قصر خیز همان لحظه بخوانی از آنجا خارج شوی

۳ اما معتبر بودن قصر ماندن، امروز و کافری نبودن حجبر همانندین، به خاطر تقید صحیحی گذارده است بر تعیین دانستن

۴ اما اعتبار سبب سهیم بودن (هزاروی) به خاطر ظهور لکنه (عسره) است در سبب سهیم بودن

۵ اعتبار دیگری بودن مکان، به خاطر این است که آنچه در روایات وارد شده بقصر به مکان، سرزمین، شهر،
 ۱۰ آبادی) است و همه اینها ظهور در وحدت مکان دارند.

۶ واجب بودن آنجا نماز بر کسی که در دامت، بعد از سه روز، به خاطر صحیح زبانه است که گذشت و روایات دیگر

انجام جماعت

۱۴ جماعت در آنجا که نمازهای واجب مستحب است غیر از نماز عواف

۱۵ در نمازهای مستحب اصلی مشروع نیست مگر در نماز باران

۱۶ استحباب به جماعت خواندن تمام نمازهای واجب، غیر از نماز عواف

۱۷ احکام نماز جماعت
 ۱ مشروعیت خواندن نماز مستحب (باران) به جماعت

۲ محقق جماعت با حضور حداقل دو نفر

۳ عدم استراحت بین جماعت بر اقام در غیر از نماز عیدین و عجم

۴ درک جماعت با تکبیر مأموم، قبل از سر برداشتن اقام از رکوع

۵ عدم حکم به ادراک جماعت در صورت سکوت در بقا (اقام) در رکوع هنگام تکبیر مأموم

۶ لزوم فرد بودن اقام در صورت ضرورت بودن مأموم

۷ شرطیت عدالت و قرأت صحیح بر اقام

مسئله مستحب بودن جماعت خواندن نمازهای جماعت بخلاف نمازهای فریضه و غیره و همچنین است
 به حضرت عمر بن کربیم آیا نماز جماعت واجب است؟ فرمود: نماز واجب است اما جماعت در تمام نمازها واجب
 نیست، بلکه مستحب است، هر کس به محبت روی برگرداند از آن و از جماعت مؤمنان و بدون عذر آن را
 ترک کند (گویا) نماز خوانده است.

با این بیان که جماعت (و کلمه است) عطف علی (یعنی) لذا تقدیر این می شود جماعت واجب نیست
 و این مستحب است در تمام نمازها، و این دلالت می کند بر سبوت محکم افرادی بر آن
 و ادعای انصراف نمازهای واجب به نمازهای فریضه فقط، با جمله (فمن العبادات کلها) در تمام نمازها
 مناسب نیست.

۲ استناد نماز طواف به خاطر مطلبی است که شیخ ناسخ و دیگران ذکر کرده که جماعت خواندن نماز
 طواف معهود نیست بلکه آن از بیامید (یعنی) در حجه الوطاع نقل نشده، با این که خصوصیات زیادی از حج
 نقل شده، و این دلالت دارد بر مشروع نبودن جماعت در نماز جماعت و به منزله شخص معقل است.

۳ اما مشروع نبودن جماعت در نمازهای مستحب، به خاطر کونه مقتضی (جواز جماعت) است (در نمازها
 مستحب) به غیر این جمله (العلاء فریضه نماز واجب است)
 محل اویه در رمضان بیامید (یعنی) نیز معهود نبوده با اینکه حضرت به جماعت حلیه اهمیت می دادند.
 بله در مورد نمازهای مستحب ماه رمضان خلیفه دوم به جماعت خواندن نمازها اکتفا داشته است و تا زمان حاضر مردم
 ادامه داده اند و به جمعه فضل از احکام باقر و صادق (ع) وارد شده به جماعت خواندن نماز شب های ماه رمضان
 که کثر نمازهای مستحب است بدعت است.

و در روایت وارد شده که امیرالمؤمنین (ع) در زمان خلافت خود از آن نمی گذرد و مردم با ناله گفتند: (واعزاه و اعزاه)
 سهی حضرت هم کوتاه آمد و فرمود: خوانند همانگونه که در موثقه سباطی وارد شده است و با این که بعضی از اشکریان
 اقامه می ندادند این اهل اسلام سنت عمر تغییر نکرد (همانگونه که در روایت سلیم بن قیس و حلالی وارد شده).

۴ اما عقیده سنی جماعت به قصد اصلی بودن به خاطر این است که حدیثی که بالا آمده واجب با هر شکل
 جماعت (العلاء فریضه) می شود چون آنچه (از آن به ذهن می رسد) نمازی است که با الهامه واجب است.

۱. نماز جماعت با ۲ نفر معتقد می شود و به خاطر صحیح زبانه است؛ به افعال همان دو روح هم عن کرم آیات با
 ۲. ۲ نفر هر دو جماعت معتقد می شود؟ فرمود: بلی. و لیکن در صحت است دیگر می فکر کرد.

۳. معتبر بودن اینک افعال سنت امامت کند؛ به خاطر این است که تسکب به اطلاق صحیح زبانه و فضل
 در مورد آن ممکن نیست؛ چون روایت نقل به معنی عموم افرادی دارد نه عموم احوال. سلم الله معتبر بود
 نسبت به آن گاهی دایره می شد؛ بلکه گفته می شود اصنان اجرای اصل برائت از معتبر بودن آن وجود دارد.

۱- استنباط اجزای جماعت؛ اتفاق اصحاب

ادله بر صحت از احکام جماعت

۱. استنباط جماعت برای عموم نمازها واجب؛ صحیح زبانه و فضل

۲. استثناء نماز طواف از مشروطیت جماعت؛ عدم صحودیت و عدم نفل آن در حجه الوداع

۳. عدم مشروطیت جماعت به نمازهای نفل؛ فقیر و مقعد نمی تعبیر العلاء الفرصه

۴. استثناء مشروطیت جماعت به نمازهای واجب اصلی؛ انفرادی ادله به آن

۵. انعقاد جماعت با حضور آنقر؛ صحیح زبانه

۶. عدم اعتبار سنت جماعت توسط امام؛ عدم وصول بیان و قاعده برائت

۷. لزوم سنت جماعت در نماز عیدین به استثناء نماز عیدین و نماز حج؛ علت آورده شده به این که قوام صحت
 نماز عیدین به جماعت بودن آن است؛ به گونه ای که مقدار واجب از آن مقداری است که با جماعت باشد پس اتمام هم باید آن
 مقدار واجب را قضا کند؛ که نمازیم قید اجتماع است.

۸. احتساب یک رکعت ناقص از سر برداشتن اذان اگر رکوع هر رکوع صحیح روایت صحیح سلیمان بن خالد از امام
 صادق (ع)؛ اگر کسی اذان را در رکعت کند در حالیکه او در رکوع است؛ پس رکوع کند قبل از این که اذان سر از رکوع بردارد؛
 به تحقیق لا رکعت را در کس کرده است؛ روایاتی نیز دلالت دارند بر این که کسی که وارد مسجد می شود اگر خوف آن
 دارد که اذان سر از رکوع بردارد؛ تکبیر هم گوید و راه می رود (وجود این جماعت می رساند) و همین طور روایاتی که دلالت
 بر صحت بودن طول دادن رکوع اذان دارد تا این که مأهوم بتواند ملحق شود.

۹. عدم احتساب یک رکعت در صورت تکبیر پس از رکوع اتمام؛ عدم اجراء از رسیدن به رکوع

۱ امامت زن بر مردی جایز نبودن امامت زن بر مردی که از مسلمات است روایت موثقه سماعه:
 ۲ از اعاک صادق پنج از زنی که امامت می کند بزرگان، فرمود: استکباری ندارد، پس این روایت ظهور دارد در عدم
 ۳ بودن عدم جواز امامت زن بر غیر زن
 ۴ اصل عدم مشروعیت (امامت زن بر مرد)

۱۱ دلیل شرطیت عدالت برای ائمه ۱ اتفاق تفسیر (اجماع) روایت موثقه سماعه از حضرت سوال
 ۲ کردیم از فردی که نماز می خواند که اعاک جماعت وارد شد در حالی که پنجاه رکعت از نماز واجبش خوانده بود، فرمود:
 ۳ اگر اعاک عادل بود، پس نماز دیگری بخواند و نماز واجب منصرف شده آن را مستحبی قرار دهد و یا اعاک وارد نماز
 ۴ شود همانطور که هست، و اگر اعاک عادل نبود، نمازش را الا بعد دهد و یک رکعت دیگر بخواند و بنشیند. اما نمازهایی که گفته بود (تکبیر)
 ۵ پس نماز را به گونه ای که می تواند به پایان برده و آنکه تقیید واجب است.

۱۲ دلیل شرطیت صحت قرائت اعاک ۱ اتفاق اصحاب
 ۲ قرائت به طور کلی از اعاک صحیح است اعاک و کلب و همان قرائت او است
 ۳ در صحیفه سلیمان بن خالد به اعاک صادق پنج، عمر بن کریم آیا قرائت
 ۴ می کند فرمود: آن را به اعاک هر کون می کند
 ۵ موثقه سماعه از اعاک صادق پنج، فرمودی از حضرت در مورد قرائت صحت سرایک
 ۶ سوال کردی فرمود: نه اعاک همان قرائت است

نماز صحبه (شرح ۲۸)
 ۱ } اربعت فائده نماز صحیح
 کیفیت نماز صحبه
 ۲ } دو خطبه قبل از نماز

خطبه اول: انا لله اسئد، حمد و ثنای الهی، توصیه به تعویق قرائت سوره الزفران، پس کسی می شنید
 کیفیت خطبه های نماز صحبه
 خطبه دوم: حمد و ثنای الهی، صلوات بر محمد و آلش، دعا و استغفار بر او پس از هجرت

Arman

عصر حضور و حجب آن از غیر در بابت دین و مورد اتفاق فقهاء

مستند ۱

اقول در باره و حجب نماز جمعه

۱- و حجب عین سے دلیل: آئینہ ذروانی زرارہ از افاقا بترجیح

۲- و حجب تحسیر سے

۳- حرمت (عدم مسرد عینت)

روایت صحیحہ زرارہ از افاقا بترجیح، ہا تا حدیثی عنہ و حجب بفریضہ از جمعیہ تا جمعیہ ۲۵ نماز واجب کردہ از عظیم آہنایک نماز است کہ خداوند آن را در جماعت واجب کرده و آن جمعیہ است و از ۹ گروہ برداشتمہ از سال الاکمال تا دیوانہ کما فرہ بندہ ۶ زن ۷ مرغن ۸ نابینا ۹ کسی کہ مسافر یعنی باشد

۱۱- بہ مقصود اطلاق کلمہ الناس شامل جمعہ فی سواد تا روز قیامت کہ از جمعیہ آن عصر عینت است

۱۲- و حجب عین در مرحلہ بقاء حیوان دلیل بر ثابت کردن آن وجود دارد

۱۳- یا ظاہر دعای صحیفہ سجادیہ

۱۴- نتیجہ سے ماوجہ بہ سیرکت در من حی سواد از ۳ قوس کہ ذکر شد عقل بہ و حجب عینت در صورت برقراری نماز و نیز

۱۵- ابتدا ۳ مورد تا سید لغویں سرعی است، و قول بہ تحسیر و عدم مسرد عینت دلیل ندارد

۱- دور کتبی بودن نماز جمعیہ: مؤلفہ سماعہ از افاقا صلیق (ع)؛ نماز جمعیہ با افاقا کرکوت است

۲- اولہ کیفیت نماز جمعیہ

و بعد کس بہ تنہایی بخواند پس آن کرکوت است

۲- دو حقیقہ ابتدائی نماز جمعیہ: مؤلفہ سماعہ از افاقا صلیق (ع)؛ (حقیقہ فی خوانند

یعنی انام جمعہ، در حالی کہ استیادہ است خدا را حمد می کند، و او را می ستاید، پس سفارش

بہ تعوی ای ایمن می کند، پس تک سورہ کو حیک از عرآن فی خوانند و بعد می نشینند پس بر می خیزند

پس حمد خدا را می گوید و او را می ستاید و بر محمد (ص) و بر ائمہ مسلمین صلوات می خیزد و برای

زمان در مردان صبح استغفار می کند، پس وقتی غارغ شد از این، مؤذن اقامہ می گوید

پس برای مردم کرکوت می خوانند

تعریف روزه در روز این است که انسان در تمام روز از خوردن و آشامیدن بپرهیزد و این را باطل می کند از اجتناب از خوردن و آشامیدن

- ۱. خوردن و آشامیدن
- ۲. جامع خواه در وقت یا دردی به فاعل یا مفعول یا مقول (اگر شد در جمیع یا بعضی روزه ها واجب بدون کراهت)
- ۳. انزال منی اگر با قصد خارج شود روزه باطل و من بدون قصد یا سرد روزه باطل نیست
- ۴. باقی ماندن محرمی تا طلوع فجر بر حیاط
- ۵. دروغ بستن بر خدا و بندگان یا بیامیزدن یا کینه از معصومین (یعنی)
- ۶. رساندن غنا ^{نیت} حلق
- ۷. تزیین کردن سردر آب
- ۸. سیاف با سیوف
- ۹. استغناغ محرمی (حق نکردن)

مسئله ۱

دلایل لحاظ عقده ^۱ اسیره مشرعه

قریب در روزه ^۲ بر طبق روایات اسلام امری که عقد قریب در آن لحاظ شده با سرد باقی شود

همچنین عبارتند از نماز - حج - زکات - روزه - ولایت تسک نکرد

مسئله ۲

دلایل احکام صغرات که باطل است ^۱ در احادیث و آیات قرآن فقط این موارد ذکر شده است

۳ دلیل اینکه خوردن و آشامیدن روزه را باطل می کند ^۱ قول خداوند متعال بخورید و شربوا صیداً تا طلوع فجر پس روزه را تأدیب

روایت صحیح محمد بن مسلم سه از امام محمد باقر (ع) استیم که فرمودند: من روزه را در آنچه که انجام بدهد تا زمانی که نوری کند از عهد چیزی خوردن و آشامیدن و زمان روز و خوردن سرد آب

۴ اینکه عموماً دادیم که خوردن و آشامیدن هیچ مقارن یا غیر مقارن با سرد به این دلیل که حرف مقول دلالت بر عموماً می کند و باطل است و اما این که حکم را عموماً دادیم از اهمیت اخیر به دلیل اطلاق است که در ادله وجود دارد

۱ **عدم جواز نفوذ برین اضطراری که از سر رسیدن به قضای دهان می رسد، به دلیل این است که خوردن بر آن عسوق می کند**
 ۲ اما اضطراری که به قضای دهان نرسیده مصداق خوردن در آنست پس خوردن در حد اقل محبت اطلاق مشکوک بوده و
 ۳ مجزی بر آنست است.

۴
 ۵ **لا جواز استناد از اصول و عقده:** برای اینکه مصداق این و شرب محسوب نمی شود، پس نسبت به حرام
 ۶ بودن اینها بر روزه دار بر آنست جاری می شود.

۷
 ۸ **لا جواز نفوذ برین آب دهان است** ۱ اطلاق ادله نمی کنند از این و شرب شامل آن نمی شود.
 ۹
 ۱۰ ۲ سیره جاری در میان فقهاء تا کید بر جواز آن است.
 ۱۱ ۳ در سیره عدم جواز نفوذ برین آب دهان موقع روزه موجب عسر و حرج می شود
 ۱۲ در حاکی که خداوند در سیره عسر و حرج را نفع کرده و نیز موده: برای
 ۱۳ در دین هیچ عسر و حرج قرار نداده است

۱۴ **۱ مبطل بودن جماع در تمام روزها** ۱ اقوال خداوند متعال: برای شما در ماه رمضان حلال گردانید آنچه میسر است...
 ۱۵
 ۱۶ ۲ روایت صحیح محمد بن مسلم

۱۷ **۳ تخم جماع چه از قبل چه از بعد** ۱ واسطه ای اطلاق ادله ای است که سابقاً گذشت

۱۸
 ۱۹ **۴ وجوب تعنای روزه بر کسی که نسبت به اصل رضوان یا دلائل یقین به عقده حقیقه مند کرده است:** به این دلیل
 ۲۰ که او نسبت و عقده انجام مبطل را کرده است و اراده افطار موجب قضا است.

۲۱
 ۲۲ **۵ مبطلان روزه بر کسی که خودش را در ماه رمضان جنب می کند:** روایت صحیح عبدالرحمن حجاج است: از انا که صدق است
 ۲۳ سوال کردم درباره فردی که در ماه رمضان با همسرش ملاعبه می نماید تا اینکه جنب می شود، انا که فرمود: کفار و کفار
 ۲۴ همانند کسی که با همسرش جماع می کند و جنب است، و همانا در وجوب کفار به دلالت التزام بر عقده بودن انزال و وجوب
 ۲۵ عینا دلالت می نماید، این روایت ممکن است انقیاس از روایت به سایر اسباب نیز سلطنت داشته شود.
 ۲۶
 ۲۷

۱ **۱۱** انزال بدون قصد روزه را باطل نمی‌کند؛ زیرا صیقل روزه با بدین عمل اختیار می‌یابد. زیرا در حالی که رسول
 ۲ ادم، قصد روزه داشته باشد به برائت تمسک می‌شود.
 ۳ **عذر** ابطال روزه: استهرا، روزه‌ری در ایامی که عمدتاً شده. **۱** صحیح عبدالله بن مسعود از ائمه اطهار (ع) نقل
 ۴ شده است که ۳ چیز روزه روزه دار را باطل نمی‌کند: استغراغ کردن، احتلام و جماعت.
 ۵ **۲** عذر اختیاری بودن احتلام

۷ **۱۲** باطل شدن روزه کسی که تا اذان صبح بر جنابت یا نجس یا نذرسته **۱** متوقف این بعد از اذان است. دردی که در شب ماه
 ۸ رمضان جنب شده است و بعد از آن صبح غسل نکرده است. اقامت فرموده بینه ای بر آن گذاردند یا امام سبیت سر هم روزه
 ۹ بگیرد و یا که مسکن را اقامت کند. زیرا وجود کفار به دلالت استراحت بر بطلان روزه و قضای آن نیز دلالت
 ۱۰ می‌کند.
 ۱۱ **۱** صحیح جری حبیب خضری از ائمه اطهار (ع) است: رسول خدا (ص) در ماه رمضان ناز سب می‌خواستند پس
 ۱۲ جنب می‌شد و غسل کردن بر آن اطوع خیر بود آنم تا جنب می‌انداخت

۱۴ **۱۳** عیین بن قاسم نقل شده که می‌گوید: از ائمه اطهار (ع) سوال کردم در باره فردی که در اول شب در ماه رمضان
 ۱۵ جنب شده است و غسل کردن بر آن اطوع خیر به تأخیر انداخته است؟ اقامت فرموده روزه اش را تا آنکه وقت
 ۱۶ بر او می‌رسد و سبیت.

۱۸ اما عدم امکان پذیرش روایت اول، روایت را رد می‌نماید به ویژه با توجه به تعبیر لغوی (کان) بر معنی مضارع
 ۱۹ که صفت استوار است، پس تا اگر نیرم که آن را بدو جوه دیگری حمل کنیم.

۲۱ و اما اطلاق روایت دوم، آن را رد می‌نماید و تاگزیر با بدین جمله شود بر موردی که بدون عمد بوده است زیرا
 ۲۲ موثقه صحاح است دارد به این که در حال عمد بوده است.

۲۴ **السب** در اینجا تفصیل دیگری نیز وجود دارد و آن است: بقاء عذر مجزی بر جنابت اگر با همان خواب اول تا صبح
 ۲۵ خواب بماند، روزه اش باطل نیست. اما در موردی که قبل از اذان بیدار شود و دوباره بخوابد، روزه اش باطل است.

۱۴۱ دروغ بستن به خدا در برابر میل روزنه است. در روایت موقوفه امین و غیره از امام صادق (ع)؛ همانا دروغ بستن
 ۲ به خدا در رسالت و انجمن و غیره موجب باطل شدن روزنه می شود.

۱۴۲ رساندن غلبه بر جملون شده است گفته اند: **عقبا واجب و بدین دیگر عقبا و کفار و واجب است** روایت
 ۵ سلمان بن صفوان صریحاً می گوید: از آن روایتیم که فرمود: زمانش که شش روز در ماه رمضان آب را در
 ۶ دهان خود می نهد و کند یا بخورد آن را در بدین خود استنشاق کند یا بوی غلبه را استنشاق کند یا خانه را جارو کند
 ۷ و غلبه در بدین و جملون او وارد شود بدو است که آقا هشت روز در روز یکبار انجام آن ها کند بخوردن و کسایمین
 ۸ و جامع کردنش مفطر است.

۹ این روایت چون بر استجاب با جامع نظر از موقوفه است
 ۱۰ به به مفطر است
 ۱۱ بنا بر این رساندن غلبه بر جملون در ماه نیست

۱۴۳ **خنزیر بودن سرد در آب** روایت موقوفه سلطان بن عمار به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی
 ۱۴ در زمان روزنه غذا سرین برادر زهر آب خردیده است آیا عقبا بدو واجب است؟ امام فرمود: عقبا ندارد اما اگر
 ۱۵ کند.

۱۶ در روایت صحیح آمده است که در روایت نخست به قرینه این که در روایت دوم سخن شده است
 ۱۷ محل بر حرمت ننگین بود.

۱۸ و این حدیث است که محل بدانند بر شش روزنه دار شود
 ۱۹ و نیز گفته شده که بخارن مستقر است در روایت دوم محل بر نیمی شود که نیمی محل حکم به میل بودن فرودین
 ۲۰ سرد آب است. یعنی روایت صحیح فرودین مسلم

۱۴۴ **حرام است** روایت صحیح احمد بن محمد بن اسیر از امام کاظم (ع) که مردی به دلیل
 ۲۳ مشکل که دارد احتیاق می کند در عا می که روزنه است (اگر خود چهار مرتبه روزنه در احتیاق کند
 ۲۴ عقیدت که مصلحت روزنه باشد غیر از عرفای در هر کجا که در صورت محل به حلا و امر در واقعیت و
 ۲۵ عقبات آن محل ظاهر دارد.

۲۵ **باجامد** حرام نیست و عقبا روزنه نیست روایت موقوفه حسن بن فضال به امام اکبر (ع)
 ۲۶ در جامع نوستم دار از سوال کردم چه می فرمایید در مورد تلفات با آب که آیا روزنه دار آن را
 ۲۷ باطل نماید؟ اگر فرمود اگر با آب جامع است باطل ندارد.

۱۱ استغفار بخورد (قرنی) ^۱ مطلق بودن روزه سے روایت صحیحہ علیہ از امام صادق (ع) اگر روزہ دار نماز
 قی کند روزہ اس باطل ہے سو اگر غیبی استغفار کند روزہ اس باطل گذرد

۱۲ و اما صحیحہ عبداللہ بن مسعود از امام صادق (ع) از پدرش (ع) پس زاجار باید قی کردن بر اهل بیروتی کردن غیبی
 تا بیم بر دلیل صحیحہ علیہ

۱۳ استغفار روزه صراط

۱۴ اسلام

۱۵ محفل

۱۶ استغفار روزه

۱۷ خالی بودن از حیض

۱۸ خالی بودن از نفاس

۱۹ عدم مسافرتی که موجب قصر نماز شود

۲۰ خالی بودن از مدغمی که موجب قصر شود

۲۱ مستندات

۲۲ صراط اسلام بر استغفار روزه ^۱ عمود اتفاق و اجماع تمام صحابا

۲۳ صحیحہ قرآنی

۲۴ صحیحہ عبد الحمید بن ابی العلاء از امام صادق (ع) و حیدر است

۲۵ کہ این مردم گفتند از بعد از پیامبرشان و بعد از این که افاضی را که پیامبر بر آنها

۲۶ لقب کرده بود ترک نکردند این روایت سهولت ایمان نیز برای

۲۷ حکمت روزه روشن می شود

۲۸ مناقصہ در آیه روایت ^۱ صحیحہ از امام صادق (ع) و از فقہ مرتب گذر

۲۹ اعتبار عقل در حکمت روزه ^۱ زیرا با عدم آن نیست صورتی که در وقت امر به تکلیف از سوی خداوند شامل

۳۰ محفل نیست، دلیل دیگری برای حکمت عموم بر حق و معقول نیست

۳۱ مگر از حیض و نفاس بر استغفار روزه ^۱ روایت صحیحہ عیسی بن قاسم از امام صادق (ع) سوال کردم از مورد

۳۲ زیرا کہ قبل از عزوب خوردن در ماه رمضان حیض می شود امام فرمود در زمانیکہ حیض است باید افطار گذر

۱ روایت صحیح است بدانکه از آن بنی هاشم از اعاک ابوالحسن (ع) در مورد روزه که بعد از ظهر روزه ۵ ساعت بجز در جمعه و عید است
۲ یعنی که اگر روزی آن روز را کامل کند و افطار را بعد از اتمام فرموده افطار کند و روزه آن روز را عفا کند

۳ روایت صحیح است بدانکه با آن معانی است که اگر زان قبل از ظهر صیوم نمود، هر چه تو انداختی او
۴ آب و غیره و اگر بعد از اذان صیوم نمود باید غسل کرده و روزه است را کامل کند، اگر چیزی نخورد و بیاید میدان
۵ این روایت نزد ما صحیح است بدانکه این از عجب است

۶ روایت صحیح است بدانکه روزه است که قرآن
۷ روایت صحیح است بدانکه از اذ سوال کردیم در مورد روزه در سفر فرمود جمع
۸ روزه ای در سفر وجود ندارد در زمان بیامید یعنی حصار در سفر روزه گرفتند و بیامید
۹ آنرا را گناهان و ناسیبت و غیره است جمع روزه ای در سفر وجود ندارد مگر آن روز در ایام جمع
۱۰ که خداوند در آنها اصرار کرده است

۱۱ سفر موجب سبب است بدانکه روایت صحیح است بدانکه حصار از اعاک صادق (ع) جمعه است
۱۲ اگر نماز را شکسته خواندی، روزه افطار می شود و اگر روزه را افطار کردی نمازت باطل می شود

۱۳ سفر در جنگ روزه
۱۴ مسافری که از روی جهالت در سفر روزه گرفته قضای دارد روایت صحیح بن قاسم از اعاک صادق (ع)
۱۵ اگر روزی افطار بر کسی که قبل از اذان ظهر سفر کند و بعد از آن برگردد روایت صحیح بن قاسم
۱۶ بعد از ظهر در سفر و مسافری که بگذرد باید روزه است را بگیرد روایت صحیح بن قاسم از اعاک صادق (ع)
۱۷ اعاک صادق (ع) در مقابل این روایت عروایت موقوفه علی بن یقین از اعاک مومنی بن حفص (ع)
۱۸ است که کسی که بگذرد اول ترهجه دارد چون مخالف تقیه است پس قول اول که صحیح بود
۱۹ کتابت فرمود

۲۰ سنن از زوال به مقصد رسیده است، اگر مفسطری را ایام بنام روز است را بگیرد روایت صحیح بن قاسم
۲۱ بعد از زوال به مقصد رسیده است، اگر مفسطری را ایام بنام روز است را بگیرد روایت صحیح بن قاسم
۲۲ غنید بودن روزه در به افطار قبل از رسیدن به وطن صحیح است بدانکه مسلم از اعاک صادق (ع)

۱ کسی دارد سُحری شود که می خواهد در آن اقامت کند اگر قبل از فجر و یا قبل از زوال ببرد، باید روزه بگیرد، دلیل
 ۲ آنکه حججه محمد بن مسلم از اعاکمه روایت کرده، می باشد اگر ما قبل از طلوع فجر وارد مکانی بشود که می خواهد در
 ۳ آنجا اقامت کند، باید روزه آن روز را بگیرد و اگر بعد از طلوع فجر ببرد، برادر روزه واجب نیست و اگر خواست می تواند
 ۴ روزه بگیرد.

۵ اما قول مشهور این است که اگر قبل از زوال ببرد واجب است روزه بگیرد و تفاوتی نمی کند که قبل از فجر باشد یا
 بعد از فجر، در احتیاط و مقتضی وجوب است زیرا به دلیل آن از مخالفت با مشهور و مخالفت با حدیثی جلوگیری نماید.

۶ **عند عدم معرفت برای صحت روزه** - قرآن کریم

۷ ۱. روایت مستفیفاً

۸ ۲. روایت عدم معرفت ملازم است **فقط** با معرفت که برای روزه دار

۹ عذر داشته باشد. روایتی که عنوان بیماری در آن وجود دارد

۱۰ ۳. روایت حججه محمد بن مسلم به اعاکمه روایت کرده گفتیم حدیثی بود

۱۱ مریض که موجب افطار روزه باشد خود است اما اگر فرمود: بی تحقیق خود روزه دار است

۱۲ **الاجتوف از غیر برای احرار از غیر اقامت می کند** - العجب است.

۱۳ ۱. حدیثی خبری از اعاکمه روایت کرده: روزه دار اگر از غیر

۱۴ به حججه اش می ترسد افطار کند. و این روایت مخصوص معرفت

۱۵ حیثیت است بلکه همه معرفت با مد نظر است برای اجتناب از روزه حجت است.

۱۶ **لا دلیل حجت قول دلت فاقد و لغت در مورد معرفت** - سیدة عقلا این بوده و از ناحیه شارع هم رد شده.

۱۷ لذا لازم است به قول طبیب عمل شود

۱۸ ۲. همین قدر که خوف غیر داشته باشد برای ایستادن غیر بودن

۱۹ کافی است.

۲۰ ۳. قول طبیب مورد ائمه دال بر

احکام عامه (مجموعه) روزه ص ۱۸۶ شرح ۳۵

۱. بطلان و وجوب قضای روزه در صورت مفقود شدن روزه که ذکر شد در صورتی محقق نمی شود که روزه دار در ارتکاب آن اختیار نداشته و عذر انجام داده باشد بجز عتباتی که احتیاطاً روی در آن نگه داشته و در ماه رمضان و غیر آن نیز عذر نمی بیند.

۲. جاهل به باطل بودن مثل عالم و مختار و عامد است.
 ۳. در کفاره ای که در سن ۳ چیز مجزی است و اگر نتواند چیزی بدهد، انجام بدهد باید استغفار کند و اگر بعد از آن حاصل شود و بتواند انجام دهد کفاره بر او واجب است.

شک در طوع و نحر به عدم شک
 اگر بعد از انجام عمل روشن شود که چیزی طوع کرده عفواً بقضا بر عهده او است اگر چه مراعات نکرده باشد ولی اگر به حالت شک باقی بماند چیزی به عهده او نیست.

شک در عذوب
 نمی تواند مطالبات را انجام دهد. اگر انجام دهد قضا و کفاره واجب می شود مترتبه روشن شود عذوب داخل شده است.

عقد در مطالبات روزه
 قضای روزه بر او واجب است اگر چه در آن عمل انجام ندهد.

مقدمات

۱. روایت صحیح معنی مسلم که نذیبت بعد از تکلیف مجزی مباح است (بر روزه روزه دار چیزی عذر نیست) رساند اگر اجتناب کند از ۳ صفت: خوردن و آشامیدن و زنا و نزدیکی در آن.
 ۲. روایت صحیح جلب از احکام مباح (یعنی شرب و فراموشی) کرد و غذا خوردن و افطار نمودن کند آنچه خورده رزق بوده که خدا عفا کرده.

۳. تا عذر عدم افطار را هر آنچه که خداوند بر او مسلط کند صاحب آن چیزی نیست.
 ۴. جدیدی رفع بیان است اگر قائل شویم که این رفع، رفع عذاب اخروی است.

۱ بقا بر جنابت سے اگر بعد از بیداری دوباره بخوابد واجب است غسل کند. دلیل صحیحہ معاویہ بن یحییٰ از اہل
 ۲ صحابہ قریبہ گفتیم: بعد از اول شب جنب می شود پس می خوابد تا صبح در ماه رمضان، افاق فرمود: بیدار چیزی
 ۳ سنت است، گفتیم: اگر بیدار شود دوباره تا صبح بخوابد فرمود: حجاز است این است که روزی آن روز غسل کند.

۴
 ۵ ۱۲ فرق بین روز نماز و غیر آن است. روایت صحیحہ حدیثی که گذشت و این که در عقب از
 ۶ روایات فقط در رمضان آمده، ضروری نیست.

۷
 ۸ ۱۳ جاهل به صیقل بودن عابد عالم است. این است که جاهل هم عالم است هم قاصر و نیست
 ۹ امر این است که جاهل، یعنی مانند کنگر محل صیقل است و
 ۱۰ پس اطلاق صیقل روز ۵، شامل او نیز می شود.

۱۱
 ۱۲ ۱۴ هر یک در کتاب در کفار و بین ۳ چیز مصداق است. ۱. قول مستحضر و بر حق قائلند باید در بیت در برداخت کفار و عتیر بود
 ۱۳ ۲. روایت صحیحہ عبد الله بن اسنان از افاق صناد و صحیح

۱۴
 ۱۵ ۱۵ ۳. صحیحہ علی بن جعفر در کتاب سن از یزید بن افاق موسی بن جعفر
 ۱۶
 ۱۷ ۱۶ روایت علی بن جعفر صحیح است.

۱۸
 ۱۹ ۱۷ ۱۷ برای کسی که نمی تواند غسل و کفار و بعد نماز است استغفار کند. دلیل آن روایت گذشتہ می باشد.
 ۲۰ روایت صحیحہ علی بن جعفر از موسی بن جعفر

۲۱
 ۲۲ ۱۸ وجود کفار، عباد، عجز از کفار، قدرت بندگان از خداوند بزرگوار.

۲۳
 ۲۴ ۱۹ ۱۹ سبک در حق غیر رسل استقیاب همه منوع است و صریحاً برام نشده است و نیز در اهل است.

۲۵
 ۲۶ ۲۰ اگر بعد از آنکه غسل کرده غیر طویح اگر در بر او قضا واجب است. ۱. طویح مقصود قاعده
 ۲۱ ۲. روایت صحیحہ (ابن جعفر حقیق و غیر حقیق لقصیل را)

صفتی بودن روایت به دلالت *Arman*
 چون سماعه از زنگان بود

۱. اگر کسی در وقت غروب نماز بخواند به خاطر اصل برائت، قضای روزی که برعهده این نیت و کفاره هم واجب می شود

۲. اگر بنا بر مفطرات بر دلیل استصحاب موضوعی جایز نیست و اگر

۳. اگر کسی در وقت غروب نماز بخواند و بعد از آن روزی را انجام دهد و چون آن روزی را روزه واجب را افطار کرده

۴. هم قضا و کفاره واجب می شود و اگر او بعد از آن روزه استصحاب، غصه کنیم نیت به اصل برائت

۵. نفس رسد

۷. حال آنکه در وقت غروب داخل شده، چیزی برعهده او نیست زیرا که نه موضوع قضا

۸. ثابت شده و نه موضوع کفاره، نهایت امر این است که شخص از باب تجبر می مجازات شود

۱۰. اگر کسی نیت مفصل (در تمام روز) بر روزی بگذارد و بعد از آن روزی را انجام دهد باید قضای آن روز را انجام دهد

۱۱. به خاطر آنکه واجب را که عبارت است از امساک از روی عقد شرعی انجام نداده است، و کفاره بر او واجب نیست چون

۱۲. عمل مفصل انجام نداده است تا موضوع کفاره ثابت شود

کدام اعتکاف

۱۵. تقریباً اعتکاف به توقف در مسجد به قصد عبادت مستحب مؤکد است

۱- روزه داشته باشد

۲- نباید کمتر از ۳ روز باشد

شرایط اعتکاف

۳- در مسجد جامع باشد که حداقل ۱ بار نماز جماعت صحیح مفصل بشود

حسبتر شدن ماه مسری

۱- استنشام بوی خوش و عطر همراه با لذت

۲- خرید و فروش و در امور دنیوی وارد شود

۳- کار که در امور دنیا یا این به قصد برتری عویسی

آنچه بر این معتکف

۴- خارج شدن از مسجد، مگر به اعتقادی ضرورت در صورت خارج شدن زیر سایه نباشد

۱ اعتنا کن تا بر من علیا

۲ روایت صحیح داور بن رحمان: امام ماه رمضان در مدینه بودند، به آن

صادق فرمود، گفتیم: می خواهیم اعتکاف کنیم، چه چیزی را بر خود واجب کنیم؟

افاک فرمود: از مسجد خارج شو، مگر برای کار ضروری و زیر سایه نشین و راه

نرو تا آنکه به مکاتبت (مسجد) برگردی

۳ آیا هست که اشکان در مسجد قرار گیرد عبادت است یا نه و به این باب در عبادت خدا در کفری مانند دعا و مناجات و ...
دلیل بر اینست؟ محبت فعل اول بعد شیت به دلیل ظاهر صحیح قلبی، بلکه دلیل بر اینست از توقف وجود ندارد.

۴ چرا اعتکاف باید در مسجد باشد؟ به خاطر سلامت بن غفما

۵ روایت صحیح حلیه از امام صادق (ع): اعتکاف صحیح نیست، مگر آنکه

روزه بگیرد و در مسجد جامع باشد

۶ اعتکاف این باب به آن علی در معتکف صحیح است

۷ دلیل استجاب مولا به اعتکاف است امر خدا و نبی حضرت ابراهیم بر تقصیر محبت الحرام برای معتکفین است. بدان

۸ ابراهیم و اسماعیل همان گرفتیم که حرم خدا را از هر یبسی پاکیزه دارند

۹ برای اینکه اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن رکوع و سجود کنند

۱۰ روایت مؤتلفه گویند از امام صادق (ع) است که رسول خدا (ص) فرمودند: اعتکاف

در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است. سکون نعم است. به دلیل بیان مطحان

۱۱ دلیل بر عبادت اعتکاف به روزه است روایت صحیح حلیه که گفتند در معتکف

۱۲ دلیل بر محبت اعتکاف است از امام صادق (ع) روایت مؤتلفه محمد بن یزید از امام صادق (ع): اعتکاف کمتر از روز نیت

۱۳ و معتقد است محمد بن علی در زندان روزی همان ابن قریب را سخری فرمود که آن بوده

۱. عده ای که بر وایت مسجد باید جامع باشد ← برای معروف است

۲. عده ای که محضر در مسجد را بر است

۳. عده ای که هر مسجدی که نماز جماعت در آن برگزار شده باشد

۴. عده ای که هر مسجدی که امام عادل در آن نماز خوانده باشد روایت

صحیح محمد بن یزید با امام صادق (ع) عرض کرد چه می گوید در مورد

اعتقاد فنی که در بعضی از مساجد بود، بر یابی شود؟ (امام فرمود: هیچ اعتقادی

نیست مگر اینکه در مسجدی برقرار شود که امام عادل بنا بر بنا کند و هیچ اشکالی

در اعتقاد فنی که در مسجدی کوفته، رصیده، مدینه و مکه بر یابی شود نیست.

۵. عده ای که همه مساجد

۶. فقط به مسجد جامع اکتفا شده ← روایت صحیح حلبی است

۱۳. برخی از علما از امام عادل، همان امام محضوم را عقیده دارند و به همین جهت اعتقاد را در مسجد آنجا که محضوم

در آنجا نماز خوانده است محضوم بگردانند.

۱۵. مگر اینکه این محضوم در ایامی که امام عادل و ظاهر بر یابی نماز جماعت توسط امام عادل، امام جماعت عادل باشد حال در

۱۶. هر مسجدی که بر یابی شود.

۱۷. نتیجه اینکه بر یابی یا مامیه ۲ و اینه از اجنب است؛ بلکه روایتی مثل صحیح حلبی بر اعتبار مسجد جامع دلالت نمی کند هر چند

۱۸. در آن نماز جماعت صحیح بر یابی شده باشد و ادله ای مانند صحیح محمد بن یزید بر اعتبار مسجدی که در آن بنا

۱۹. جماعت صحیح بر یابی شده باشد دلالت نمی کند؛ هر چند مسجد جامع بنا شود.

۲۰. من توانم بین این ۲ دلیل جمع کرد و جامع را اصل مگر در مسجدی که در آن نماز جماعت صحیح بر یابی شده باشد و جامع

۲۱. امام را بر یابی نماز جماعت باشد نه اینکه در آن جامع، همان مسجد جامع باشد که در شهر معروف است، بلکه مطابق

۲۲. احتیاط آن است که اعتقاد در مسجد جامع باشد که در آن نماز صحیح بر یابی شده باشد و مجرب است که اعتقاد در

۲۳. مسجدی که بنا بر انجام شود.

۲۵. که دلیل عدم جواز مباشرت با زنی است ۱. سخن جنسی بلند مرتبه است، و باز زبان جنسی است و فریب می آید

۲. روایت مؤلفه این جسم از امام رضا (ع)؛ آیا معتقد می بودید با جانوادا من مباشرت

کنم؟ فرمود: بله ای من مباشرت نکن نه سبب و نه روز در دلت که معتقد است.

Subject:

Year: Month: Day:

page: ()

۲۰ ۶۳

۱ مستنداً جنفقا من حرمت به جماع، اصل برائت است بعد از آنکه ادله از عند جماع قاضی هستند

۲
۳ ۹ عدم حرمت حیوان از استیلا و حیوان و بیابان ... روایت صحیحی است که میگوید اگر از او با قرض است، مختلف است اما بوی
۴ حیوان نکند و لذت نیز از او حاصل است، و نیز ای نکند و غیره خورد و نفس در بند

۵ بشرط لذت بردن در استیلا ... به حیوان استیلا در لذت بردن است و نباید منشأ استیلا را این باشد که استیلا همینه
۶ بالذات بردن است ... علاوه بر این جهت بردن بالذات بردن بدان تا نگردد

۷
۸ ۱۰ یعنی از خرید و فروش و تزاع ... روایت صحیحی است که میگوید اگر لذت است

۹
۱۰ ۱۱ تعین بعضی از تزاع برای امور و در فروش باید در حق بقصد غلبه می باشد اما اگر برای ایهات حق یا رد باطل باشد
۱۱ استیلا یعنی بردن حیوان و خوردن حیوان از آن صیغه است

۱۲
۱۳ ۱۴ دلیل عدم حرمت مختلف از منکره یا غیره ... دلیل بر روایت صحیحی است که میگوید داود بن صرحان مستنداً